



تنفسی برای جمع بندی

یک هفته ای است که جنبش پوپولیستی مردم علیه استبداد و نظام سیاسی مذهبی، پس از یک دوره ی دوماهه مبارزات فشرده خیابانی، فروکشی نسبی داشته است. فقط ابلهان می توانند این تنفس را به «پایان مبارزات» یا حتی به آغاز «سیر نزولی» آن تعبیر کنند. جامعه ایرانی نسبت به سیر انقلاب و آفت و خیزهای آن بیگانه نیست و کمتر کسی است که در این جامعه باشد، اما تب و تاب و بی قراری مردم را حس نکند. جدا از این احساسات، واقعیت ها نیز نشان می دهد که این تنفس مقطعی، «آرامش قبل از توفان» ایستکه بزودی به سیل خروشان دیگری تبدیل خواهد شد. چرا که مردم در مقابل حکومت روحیه ای تهاجمی دارند و کوچکترین بی نظمی و مزاحمت مأموران را با قاطعانه ترین شیوه پاسخ می دهند. اعتراضات قطع شدن «آب» در شهرستان ها، یا اعتراضات دانشجویان در خوابگاه های شیراز و کوی دانشگاه تهران، اعتراض متروی کرج-تهران که برای چندین ساعت در تمامی ایستگاه های این خط، از گلشهر تا صادقیه بطول انجامید و مأموران حکومتی تشخیص دادند بهتر است با مردم روبرو نشوند، تجمعات خانواده های زندانیان سیاسی و اعتراض علیه «دادگاه شو» چهارم و ... همه و همه در همین هفته اتفاق افتاده که هزاران نفر را در مقابل حکومت به خیابانها کشیده است.

اما در عین حال، این تنفس در مبارزه را نمی توان فقط به تعطیلاتی برای تجدید قوا تعبیر نمود. چرا که می بینیم نه تنها فراخوان های مبارزات متمرکز و گسترده مردمی متوقف گشته است، بلکه حتی فعالیت های ذهنی و تبلیغی اکثریت قابل توجه مراکز مبارزاتی نیز، اگر متوقف نشده باشد، آفت قابل ملاحظه ای داشته است. بخصوص زمانی که آن را در شرایط عدم توفیق این مبارزات مرکزی فشرده به تحمیل استعفای دولت احمدی نژاد به هیئت حاکمه فرار دهیم. چرا که رهبری اصلاح طلب «جنبش سبز» با این امید مردم را زیر بیرق خود جمع کرده بود که در یک مبارزه فشرده مردمی می تواند با کمترین هزینه دولت کودتا را فلج کرده و حکومت را به هدف ناچیز «تجدید انتخابات» مجبور سازد. به همین علت نیز هواداران ایشان با دیدی بسیار کوتاه مدت به فضای نگاه کرده و قبل از هر فراخوان، تصور می کردند که آخرین ضربه است. اما پس از دو ماه ضربه زدن های پیاپی، رفته رفته به این نتیجه رسیدند که تاکتیک «تظاهراتهای متمرکز و فشرده» با هزینه های زیاد صدها جانباخته و هزاران بازداشتی، نه تنها توفیقی نداشته، بلکه حتی حکومت را نتوانسته وادار به یک عقب نشینی معنی دار و باز کردن فضای سیاسی کند. مسلماً در چنین شرایطی، شک کردن به صحت گفتار و ادعاهای رهبران، امری طبیعی است و بخصوص زمانی که قدمهای واقعی رهبرانشان ناقص اعتبار خط تبلیغی ایشان بوده است.

مهمترین و اساسی ترین بخش تبلیغات رهبران «جنبش سبز» از موسوی گرفته تا سازگارا و گنجی و دیگر «دلگکان VOA» و رسانه های غربی، این بود که مبارزات کنونی مردم ایران دارای ویژه گی هایی است که آن را از تمامی تجربیات جنبشهای دیگر دنیا جدا می سازد. مهمترین آن این بود که جنبشی است «مدنی» و مستقل از خط مش های سیاسی و سازمان ها و احزاب، که مردم رهبران خود بوده و رهبران جنبش سبز، تنها فرموله کننده و نمایندگان خواسته های مردمند. اما با تشکیل «راه سبز امید» و کوشش برای تشکیلاتی کردن و بهره برداری از حمایت های مردمی برای عده ای سیاستمدار و «نخبه»، کاذب بودن ادعاهایشان را برای بسیاری از حامیان نشان روشن کردند. بخصوص که چهارچوب اعلام شده ی «راه سبز امید»، یعنی اعتقاد به اصلاح پذیر بودن حکومت مستبد ولایت فقیه و داشتن ظرفیت قانون اساسی این نظام به تحقق خواسته های دمکراتیک مردمی، به هیچوجه با باورهای مردم و خواسته ی ایشان به تحولات رادیکال در ساختار سیاسی خوانایی نداشت. پس عدم توفیق تاکتیک «تظاهراتهای متمرکز و فشرده» به باز شدن چشمان حامیان اصلاح طلبان حکومتی به کاذب بودن استراتژی ایشان انجامید. اگر با دقت به حرفهایی که موسوی و بهشتی در روزهای اخیر زده اند گوش کرده باشیم، متوجه می شویم که ایشان مجبور به پاسخگویی به هواداران خود شده اند و ناچاراً به عدم درکشان از شرایط سیاسی و عدم توفیق شان در پیشبرد اهداف اعلام شده اعتراف کنند. موسوی در پاسخ به سوالات خانواده های اصلاح طلبان زندانی نسبت به عکس العمل معترضین به بازداشت ها و «دادگاه شو» می گوید: «بازداشت های پس از انتخابات قابل پیش بینی نبود» و این به معنای نبود راهکار و شکست رهبری در این زمینه می باشد. و یا اعتراف بهشتی به «غافلگیر شدن» ایشان نسبت به اقدام خامنه ای در گره زدن سرنوشت نظام جمهوری اسلامی به دولت کودتای احمدی نژاد و وزن سیاسی جناح معروف به «پاسداران» در هیئت حاکمه در مصاحبه ای با میزان پرس، در حقیقت، پاسخ به سوالاتی است که حامیان ایشان به علت عدم توفیق استراتژی و تاکتیک اصلاح طلبان مطرح کرده اند.

پس می بینیم که این تنفس، تنها مولود خستگی جسمانی و فرسوده شدن نیروهای میدانی نبوده بلکه بیشتر تنفسی برای جمع بندی از این مبارزات و تجدید نظر در استراتژی، تاکتیک و رهبری جنبش می باشد. این موقعیت بسیار ارزنده ای برای نیروهای انقلابی است تا با ارائه راه حل های واقعاً کارساز، مردم را به مسیر واقعی پیروزی بر دیکتاتوری و تغییر رادیکال ساختار سیاسی تا حد برقراری دمکراسی شورایی آشنا و متقاعد سازند.

شماره سیزدهم، سال اول،

چهارم شهریور ۱۳۸۸

در این شماره می خوانید

سر مقاله :

* تنفسی برای جمع بندی - احمد فارسی

* پیام هشتم «ندای سرخ» : هواداران

«جنبش سبز» را به حال خود رها نکنید!

متن آموزشی:

* بحثی درباره مبانی دمکراسی مشارکتی (

۶) اسماعیل سپهر

خبرهای کوتاه:

* خبرهای هفته ۲۸ مرداد تا ۴ شهریور

۱۳۸۸

گزارشات و تحلیل ها:

* موج اعتراض یقه آبی ها در راه است؟

سایت حکومتی الف

* تاریخ به شکل فکاهی تکرار می شود

* در «جنبش سبز» چه خبر است؟

* سخنی با هواداران جنبش سبز

* «صلاحیت» یا «عدم صلاحیت» زنان در

کابینه احمدی نژاد- ناهید نور

* سناریوی ارتجاع برای بازسازی چهره

کریمه احمدی نژاد- فرهاد رها

این شماره را بخوانید و میان مردم

پخش کنید

پیام هشتم «ندای سرخ»: هواداران «جنبش سبز» را به حال خود رها نکنید!

امروزه صحبت زیادی از تغییر شرایط می شود، اما بنظر می رسد کسی جرأت نمی کند که صریحاً به کم و کیف این تغییر بپردازد. حقیقت این است که علیرغم هشداریها ما نسبت به طولانی بودن راهی که در پیش گرفتیم، و ماهیت فرسایشی جنگی که به آن مشغولیم، بسیاری از «پاران خیابانی» ما که تمام امید خود را به چند رهبر «جنبش سبز» بسته بودند و کورکورانه از رهنمودها و فراخوان های ایشان تبعیت می کردند، اینک، پس از دو ماه، به علت عدم توفیق مبارزاتشان و عملکردهای اشتباه و اثبات غیر کارشناسی بودن تحلیل و راه کارهایشان، دچار یأس و ناامیدی گشته اند. و از آنجائیکه ایشان در داخل کشور، اکثریت بسیار پر تعدادی را تشکیل می دادند، تأثیر بسیار منفی ای در روحیه مبارزاتی تمامی «پاران خیابانی» گذاشته اند. اما، همانطور که سرودی انقلابی می گوید: «رزم خلق جاویدان است/ دشمن سرنگون! / پیکاری قهرآمیز و راهی بس گلگون/ مملو از خیز و افت!» آری! شرایطی که اکنون ما با آن روبرو هستیم، اولین افت در دریای مواج مبارزات مردمی است که پس از دو ماه مبارزه پیگیرانه و مملو از حماسه بر ما تحمیل شده است. البته شرایط زندگی و مبارزه طبقاتی اجازه طولانی ثبات به این شرایط نداده و به زودی تغییر می یابد. اما، این تغییر زمانی صورت می پذیرد که مردم از ریشه های چنین شرایطی آگاهی نسبی پیدا کنند و راهکارهای جدید مبارزاتی را بر مبنای شناخت جدیدشان، با موفقیت طراحی و اجرا نمایند. برای تسهیل در روند جمع بندی این شرایط است که ما به دوستان و رفقای «جنبش رنگین کمان» و بخصوص بخش «سرخ» آن توصیه می کنیم که «پاران خیابانی» سبز خود را رها نکرده و به ایشان برای یافتن ریشه های عدم موفقیت شان و پیدا کردن راهکارهای جدید، یاری رسانند.

بررسی علل وجود آمدن این شرایط

وجود آمدن این شرایط را نمی توان به یک علت خاص نسبت داد. اما، می توان علل متعدد آن را نسبت به اهمیت آنها ذکر کرد.

الف - بنظر ما مهمترین عامل ایجاد چنین شرایطی در مبارزات مردمی، تسلط نسبتاً مطلق رهبری کوتاه فکر اصلاح طلبان حکومتی و عدم توفیق آگاهان مسلط به علم مبارزات مردمی در تأثیرگذاری بر این جنبش بود. همانطور که در آخرین پیام خود ذکر کردیم، هدف رهبری اصلاح طلب از این مبارزات، استفاده از مبارزات مردمی به مثابه اعمال فشار به هیئت حاکمه برای برکناری دولت کودتا و «تجدید انتخابات» بود. متأسفانه این رهبری معتقد بود که با یک دوره ی کوتاه، اما متمرکز و فشرده مبارزات مردمی و ایجاد اخلاص در اوضاع عمومی اجتماعی می تواند هیئت حاکمه را از ترس «انقلاب مردمی» وادار به تمکین به خواسته های خود کند. به همین مناسبت بدون بررسی منشاء قدرت این مبارزات و کوشش در جهت طرح خواسته های مختلف و متنوع مردمی برای به حمایت کشاندن هر چه بیشتر و گسترده در طبقات و اقشار جامعه، فراخوان های پی در پی برای انجام اعتراضات مرکزی صادر کرد، و از آنجائیکه انتظار نداشت که جناح حاکم حاکمیت، سرنویشت نظام را به دولت کودتا پیوند دهد، این مبارزه را کوتاه مدت تلقی کرده و نیروی مبارزین بالفعل را فرسوده ساخت. موسوی در آخرین صحبت های خود بوضوح عدم آمادگی رهبران اصلاح طلب حکومتی را از مقاومت کودتاجیان و جناح حامی ایشان را مطرح کرده است. او در دیدار خود با خانواده های زندانیان اصلاح طلب اعتراف کرد که بازداشت های وسیع رهبران اصلاح طلب را پیشبینی نکرده بودند. که در اینصورت می توان به جرأت گفت که حمایت بی چون و چرای خامنه ای از دولت کودتا را در نماز جمعه 29 خرداد و حکم تیر و کشتار مردمی پیامد آن پشتیبانی را نیز تصور نمی کردند و اصولاً در مورد وزن سیاسی سپاه و حامیان احمدی نژاد و قاطعیت ایشان در حفظ قدرت اجرایی در توهم به سر می بردند. این اشتباه استراتژیک رهبران «جنبش سبز» باعث انتخاب تاکتیک غلط فشار بی امان تظاهرات های مرکزی شد که نتیجتاً نیروی مبارزاتی حاضرین در میدان را فرسوده نمود. آنها حتی با وجود رؤیت ریزش نیرو پس از هر تظاهرات، از آنجا که درک غلطی نسبت به میزان مقاومت حاکمیت داشتند و فکر می کردند که هر آن امکان سقوط کودتاجیان می رود، هرگز به فکر توسل به تاکتیک های درازمدت تر نیافتادند. از طرف دیگر، برخورد منفعلانه ی اکثریت قریب به اتفاق «طیف سرخ»، به علت عدم داشتن تحلیل علمی از شرایط، و کم شماری و عدم هماهنگی سرخ های درگیر در این مبارزات، باعث عدم تأثیرگذاری کافی در شرایط مبارزاتی شد. و در نتیجه خلاء رهبری کنونی که باعث ایجاد افت این مبارزات گشته است، حادث شد.

ب - ما باید بدانیم که منشاء نیروهای مبارزاتی مردم از «پاران خیابانی» است. این هسته ها، همانطور که دوستان «نشریه خیابان» نیز ذکر کرده اند، عموماً بطور تصادفی، بصورت متفاوت و متنوع شکل می گیرند. برخی به علت دوستی چند نفر، دیگری بواسطه همکلاسی بودن، و یا خانوادگی و فامیلی و همسایگی و... بوجود می آیند. اما، برای رشد و باز تولید و گسترده تر شدن آنها و بخصوص در جهت اهداف دموکراتیزه کردن جامعه، می بایست به سمت محلی شدن و یا صفی شدن حرکت کنند. رفقای نشریه خیابان، به این حالت تصادفی تسلیم شده و با توصیه به مخفی شدن آنها، عملاً، همچون مشی چریکی عمل کرده و آنها را از شرایط اجتماعی لازم برای رشد و تبدیل شدن به نهادهای دموکراتیک مردمی جدا می کنند. در صورتیکه در یک انقلاب با ضرورت ها و اهداف دموکراتیک، این هسته ها باید در فعالیت های علنی در محل زندگی و اشتغال مردم شرکت کرده، به تبلیغ و ترویج و تهییج مردمی پرداخته و با جذب نیرو و سازماندهی محلی و صفی آنها، بنای کمیته های (انجمن ها و نهائاً، شوراهای) محلی و صفی پی ریزی کنند. باید دقت کرد که به اعتراف نویسنده مقاله «ارگان های قدرت مردمی»، همانطور که از عنوانش بر میآید، آنها باید تبدیل به نهادهایی شوند که مجموعاً، کل اعضای یک جامعه را در بر گیرند. بنابراین نمی توانند در اجتماع نامرئی و «مخفی» باشند. بلکه باید، همراه با دقت های لازم، بصورت علنی و در کنار مردم به مبارزه پرداخته و با ایشان عجین شوند. ما امیدواریم که این اشتباه نظری، تنها بواسطه عدم تعمق و بررسی تئوریک این رفقا بوده و برخاسته از تعلقات نظری به پس مانده دیدگاه مشی چریکی نباشد.

بنابراین، تاکتیک صحیح برای ادامه و تداوم این مبارزات سمت و سو دادن به «پاران خیابانی» در تبلیغات محلی و مناطق اشتغال مردمی است. و از آنجا که تبلیغات بدون سازماندهی، یک نیرو را از بالقوه گی به یک نیروی مادی و واقعی تبدیل نمی کند، لازم است که در محیطی صورت پذیرد که حداقل یک یا چند نفر از «پاران خیابانی» بصورت دائم حضور داشته و مورد اعتماد افراد مورد نظر باشد.

محل های مسکونی و محلهای اشتغال، زادگاه نیروهای مبارزاتی بوده و باید اکثر نیروی ما در آنجا متمرکز شود. ما در پیامهای ششم و هفتم خود به این پایگاه ها توجه کرده ایم. البته این به هیچوجه به معنای ترک کامل فراخوان های مرکزی در مناسبت های مختلف نبوده، چرا که تنها در مجامع بزرگ و پر جمعیت مبارزاتی است که قدرت مردمی ایجاد شده و هر انسان مرددی را به توانایی هایش قانع می کند. اما زایش و آمادگی نیروی مبارزاتی در پطن جامعه و نهادهای دموکراتیک بوجود آمده و تعلیم می بیند.

ج - مشخصه دیگر هسته های «پاران خیابانی» همان تصادفی بودن آن است. یعنی این هسته ها نه بر مبنای یک اتحاد ایدئولوژیک و یا برنامه حزبی، بلکه بر مبنای نزدیکی های شخصی شکل گرفته اند و حامل تنوع دیدگاه ها هستند. همین رفقای «ندای سرخ» نیز در هسته هایی متشکل هستند که تعداد زیادی از آنها را مردم عادی هوادار «جنبش سبز» تشکیل داده که در انتخابات هم شرکت کرده بودند. بنابراین نباید گذاشت با مایوس شدنشان ترک مبارزه کنند. باید با ایشان صحبت کرد و انگیزه اولیه شان در شرکت در انتخابات را به یادشان آورد. باید به ایشان یادآوری کرد که مبارزات ما نه برای به قدرت رساندن این یا آن رهبر اصلاح طلب، بلکه علیه استبداد و برای تحقق دموکراسی و تضمین حقوق و آزادی های ابتدایی انسانی بوده که هنوز هم محقق نشده است. باید به ایشان پیاموزانیم که دموکراسی تنها از طریق ساختن نهادهای مردمی و جایگزینی آنها به جای نهادهای پوسیده قدرت استبدادی بدست می آید. اقدامی که در هر قدم آن با مقاومت وحشیانه جناح های حکومتی برای حفظ قدرت شان روبرو می شود. رهبرانی خیانت می کنند، جان باخته و به زندان می افتند، در هر قدم امکان اشتباهات زیادی می رود، به همین علت است که این مبارزه با افت و خیز بسیاری همراه بود که این تازه اولین آنها است. باید به ایشان آموزش داد که راهمان طولانی است و برای این راه آماده شان سازیم. در یک جمله: «پاران خیابانی» سبز خود را در این برهه سخت، تنها نگذارید!

اخبار کوتاه

نگرانی روزنامه حکومتی از فروپاشی نظام

روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی در سرمقاله امروز خود با نگرانی از بحرانی که سراپای رژیم را فراگرفته نوشته است: امروز ما در فضای سیاسی جامعه با فاجعه ای مواجه هستیم که دقیقا خواست دشمن است. به جان هم افتادن روحانیون و همدیگر را به بدترین اتهامات متهم ساختن خواست اصلی دشمن است. خدا رحمت کند امام خمینی را که در مورد این خطر بیشترین هشدارها را می داد و همواره روحانیون را از اینکه فریب معاندان را بخورند و در مقابل همدیگر قرار بگیرند برحذر می داشت. اکنون همان واقعه شومی که نمی بایست رخ می داد متأسفانه رخ داده است. تلخ تر آنکه عقلای قوم در چنین وضعیتی به صحنه نمی آیند و مانع ادامه این روند خطرناک نمی شوند. بدون اینکه هیچک از طرفین دعوا را حق و طرف دیگر را باطل بدانیم لازم می دانیم نسبت به ادامه این تقابل خطرناک هشدار بدهیم. هم در داخل و هم در خارج دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از این تقابل بسیار خرسند هستند و سود می برند کما اینکه دوستان و علاقمندان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از این تقابل بشدت رنج می برند و نگرانند.

هشدار فرمانده سپاهی در مورد سقوط حکومت

اگر تا پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فرماندهان نیروهای نظامی در ایران هرگونه مشارکت خود در امور سیاسی را رد می کردند، در روزهای پس از انتخابات تعدادی از آنها به ویژه در سپاه پاسداران تقریبا به طور روزانه به ارائه تحلیل سیاسی پرداخته و بعضا از نقش خود در سرکوب برخی جریانهای سیاسی نیز خبر داده و آن را وظیفه ذاتی خود اعلام می کنند. روز گذشته سردار جوانی، رییس اداره سیاسی سپاه پاسداران که در حوادث پس از انتخابات با طرح مساله لزوم بازداشت و محاکمه موسوی و کروبی، همواره خبر ساز بوده است، گفت: " این موضوع حساس ترین آزمون در این دوران است و اگر غفلت کنیم نتیجه آن تنها یک سال عقب افتادن نیست، بلکه سقوط است."

الاهرام: جنبش سبز متعلق به کسی نیست

الاهرام در مقاله ای با عنوان «ایران، فروپاشی از درون» پس استناد به ظواهر تکیه حکومت جمهوری اسلامی به نیروهای مسلح و خشونت برای بقاء و عدم توفیق آنها در سرکوب قطعی مبارزات مردمی نتیجه می گیرد که این حکومت در حال فروپاشی است. همچنین، در این مقاله به ویژه گوی سازماندهی مبارزات مردمی که این روزنامه به آن با عنوان «جنبش سبز» اشاره می کند، پرداخته و می نویسد: «جنبش سبز متعلق به کسی نیست، از میرحسین موسوی درون ایران گرفته تا رضا پهلوی و مسعود رجوی مجاهدین خلق بیرون. اما خود مانند رودخانه زیبایی در حرکت است و پیش می رود مثل هادسون یا کارون و زمانی رعدآسا و خطرناک است و زمانی آرام و ساکت. خوشبختانه هیچ فرد کاریزماتیکی ادعایی بر آن ندارد. مهمترین ویژگی این جنبش نوسنچی تاریخی ارزش هاست؛ عیبجویی مطلق از تجاوز با چهره خشونت خدانشناسی که خواستار پایان بخشیدن به آن است. تمام نمی شود.»

تجمع ششم کارگران واکن پارس اراک در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق

کارگران شرکت واکن پارس اراک برای ششمین بار در طول 4 ماهه اخیر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد ماهیانه در محوطه داخل شرکت تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران با سردادن شعار «الله اکبر» و «یا الله به فریاد ما برس»، با تحصن در مقابل در ورودی شرکت از مسؤولان استان رسیدگی به حقوق صنفی خود را خواستار شدند.

مداحی عضو شورای اسلامی شرکت در گفت و گو با خبرنگار ایلنا با اشاره به اینکه کارگران در طول 5 ماهه اول سال جاری تنها در سه مرحله مجموعاً 500 هزار تومان، در مقابل شیفت کاری روزانه و اضافه کاری دریافت کرده اند، گفت: کارفرما مطالبات کارگران را به صورت درصدی و فقط برای ساکت کردن موقتی پرداخت می کند و مسؤولان استان نیز که در جریان موضوع هستند؛ نه تنها تا به حال کوچکترین قدمی برای حل مشکل برنداشته اند بلکه اوضاع را بدتر هم کرده اند.

کارگران نساجی کاشان ۲۲ ماه است که حقوق نگرفته اند

کارگران نساجی کاشان که اکثر آنها دارای بیش از 18 سال سابقه کار هستند، 22 ماه است که حقوق نگرفته اند. گفتن این جمله شاید برای برخی بسیار ساده باشد، ساده همچون سایر هزارها خبری که هر روز در دل رسانه های مختلف جای می گیرد، ولی اگر کمی انسانی تر به موضوع فکر شود، آن گاه معلوم می شود که چه دردی در این جمله نهفته است.

هر روز صدا و سیماپی که روزی صفت ملی بودن را با خود به همراه داشت، اخبار متعددی از ادامه بحران اقتصادی در غرب، افزایش شمار مستمری بیکران بیکاری در جهان صنعتی، رشد دهشتناک بیکاری در کشورهای پیشرفته و... را در بخش های مختلف خبری خود پوشش می دهد و همگام با گرسنگان آلمانی، بیکاران فرانسوی، درماندگان ژاپنی، مستمری بگیران آمریکایی، فقرای ایتالیایی و... برای احقاق حقوق آنها یا شاید گمراه کردن افکار عمومی داخل از مشکلات داخلی، با پوشش اخبار تجمعات و اعتصاب های آنها، سعی می کند رسالت بین المللی خود را ایفا کند، اما دریغ از یک پوشش از اخبار کارگری ایران و در این وضعیت است که حقوق کارگر ایرانی گم می شود در غبار احقاق حقوق سایر کارگران و رنجبران جهان.

واکنش کارگران پارس متال به انعکاس خبر مبارزات خود در ماهواره

6 ماه تمام است که کارگران پارس متال برای گرفتن مطالبات خود در حال اعتصاب، تحصن، تجمع و مبارزه هستند. در روزهای اخیر آنان می شنوند که اخبار مبارزات آن ها در سایت های اینترنتی و شبکه های ماهواره ای درج شده است. آگاهی توده کارگر به انتشار این اخبار موجی از امید در دل آن ها ایجاد می کند. کارگران می گویند که با این کار شمار کثیر همزنجیرانشان و ساکنان کشورها از وضعیت رقت بار کار و استثمار و بی حقوقی و مصائب آنان اطلاع یافته اند. از این مهم تر آنان اضافه می کنند که تصمیم گرفته اند به اعتصاب و مبارزات خود برای ماه های طولانی ادامه دهند. آن قدر ادامه دهند که مطبوعات و رسانه های درون جهنم سرمایه داری ایران هم اخبار مبارزاتشان را درج کنند!!

تجمع دانشجویان دانشکده فنی تهران - جنوب

دانشجویان دانشکده فنی تهران - جنوب، در اعتراض به تفکیک دانشجویان رشته های برق و صنایع دست به اعتراض زدند. این تجمع از ساعت 9 صبح روز یکشنبه اول شهریور در مقابل ساختمان اداری این دانشکده برگزار شد که طی آن حدود 60 نفر از دانشجویان به انتقال دوستان و همکلاسیهایشان اعتراض کردند. از نکات قابل توجه این مراسم حضور متعدد نیروهای حراست بود که از قرائت هرگونه بیانیه و سردادن هرگونه شعار صنفی جلوگیری می کردند و همچنین یکی از دانشجویانی را که مشغول تصویربرداری بود به حراست فراخوانده و مدارک دانشجویی اش را جلب کردند. گفتنی است مسئولین این دانشکده قصد دارند، دانشجویان رشته های برق و صنایع این دانشگاه را به ساختمان دیگری در مرکز تهران منتقل کنند. بسیاری از دانشجویان این تفکیک را مقابله دانشگاه با روند افزایشی اعتراضات دانشجویی در نظر گرفته اند. لازم به ذکر است قرار بود این تجمع چهارشنبه گذشته برگزار شود که مسئولین دانشگاه در اقدامی غیرقانونی، 3 روز آخر هفته را تعطیل اعلام کردند.

اخبار کوتاه

فریاد شعار در خوابگاه های دانشگاه شیراز همزمان با بازگشایی دانشگاه

به دنبال بازگشایی دانشگاه شیراز و آغاز امتحانات معوقه در این دانشگاه به علت اعتراضات به نتیجه انتخابات، جو دانشگاه شیراز به شدت امنیتی شده است. با وجود تمامی این تدابیر، دانشجویان از ساعت 23 شب یکشنبه در خوابگاه های دانشگاه شیراز و علوم پزشکی فریاد "مرگ بر دیکتاتور" سر دادند. این فریادها که با استقبال دانشجویان بسیاری روبرو شد، تا مدت زیادی ادامه داشت و دیگر دانشجویان نیز فریاد "مرگ بر دیکتاتور" سر داده و به این ترتیب همچنان اعتراض خود را به کشتار مردم، نتیجه انتخابات و انتصاب احمدی نژاد نشان دادند. لازم به یادآوری است پس از انتخابات و از روز 23 خرداد جو دانشگاه شیراز متشنج شد و با پیوستن مردم به دانشجویان سرکوب اعتراضات بیشتر شد، به صورتی که در روز 25 خرداد در اثر حمله به مردم عده زیادی به دانشگاه پناه آوردند. نیروهای نظامی برای سرکوب مردم و دانشجویان از تیر ساچمه ای استفاده کردند که منجر به آسیب چشمی تعدادی شد و پس اینکه حدود 100 دانشجوی دانشگاه شیراز و حدود 300 نفر از مردم در روز 25 خرداد در جریان یورش به دانشگاه توسط نیروهای نظامی و شبه نظامی دستگیر شدند، دانشگاه تعطیل و خوابگاه ها به سرعت تخلیه شد.

تجمع در فرمانداری بروجرد با ظرفهای نشسته

تعدادی از اهالی روستای گيجالي بروجرد به علت کمبود آب شرب روز شنبه مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و در این تجمع تعدادی از زنان این روستا نیز طرف های نشسته خود را همراه آورده بودند و خواستار شستن آنها در محوطه فرمانداری شدند. یکی از معترضان گفت: از ابتدای فصل تابستان به علت کمبود آب شرب اهالی این روستا رنج می برند. وی که به نمایندگی از اهالی روستا صحبت کرد و نخواست نامش در خبربرده شود افزود: با شروع ماه مبارک رمضان کم آبی برای اهالی روستا غیر قابل تحمل شده است.

وی اظهار داشت: امروز به همراه تعدادی از اهالی روستا در مقابل فرمانداری بروجرد حضور یافتیم تا مشکلات بوجود آمده را با فرماندار در میان گذاشته تا چاره ای اندیشیده شود. فرد مذکور اضافه کرد: رودخانه ای که از وسط روستا عبور می کند به علت خشکسالی خشک شده و دیگر امکان استفاده از آن برای شست و شوی ظروف نیز وجود ندارد.

تجمع مردم معترضی در مقابل وزارت کار:

اعتراض های شبانه مردم در نقاط مختلف تهران ادامه دارد. این اعتراضات که شکل محله ای و منطقه ای به خود گرفته است گاه در نقاط پررفت و آمد و پرازدحام نیز صورت می گیرد. شب گذشته، یکشنبه شب، گروهی از مردم که تعدادشان بین 50 تا 100 نفر بود مقابل وزارت کار و جنب ایستگاه خط واحد بهبودی زیر پل عابر پیاده تجمع کرده و به شعار علیه نظام پرداختند. این تجمع اعتراضی گروهی خیلی سریع تشکیل و پس از جلب توجه مردم و قبل از اینکه نیروی پلیس یا ضد شورش سر برسد پایان گرفت. این افراد ابتدا از محفظه و دالان ارتباطی ایستگاه خط واحد عبور کرده و زیر پل عابر پیاده تجمع کردند تجمع کنندگان با ایجاد ترافیک موضعی در این محدوده به مدت چند دقیقه مخالفت خود را با دولت کودتایی ابراز داشته و به سرعت متفرق شدند.

احضار چند تن از فعالین کارگری به اداره اطلاعات کامیاران

بر اساس گزارش رسیده، روز پنجشنبه 29 مرداد ماه 1388 هفت تن از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی احضاریه ایی از طرف اداره اطلاعات شهرستان کامیاران دریافت کرده اند.

افشین ندیمی، کاوه گل محمدی، مهرداد صبوری، شعیب صابری و آزاد منیری نیا از اعضاء کمیته هماهنگی و دو تن دیگر از فعالین کارگری با نامهای رضا گلمحمدی و فاروق منیری نیا، احضاریه ای از طرف اداره اطلاعات شهرستان کامیاران دریافت کرده اند که بر اساس آن، نامبردگان باید روز سه شنبه مورخ 4 شهریور ماه، خود را به اداره اطلاعات معرفی کنند.

پیشاهنگان جنبش محله ها، آپادانا و اکباتان

خبرهای رسیده حاکیست که در چند شب گذشته مردم در دو محله اکباتان و آپادانا اقدام به راهپیمایی کرده اند. این گزارش از شهرک اکباتان خبر می دهد که در بخش های مختلف این شهرک از مدت ها پیش، شبها، هماهنگ با آغاز شعارهای شبانه، دسته های جوان از مقابل ساختمان های خویش به راه افتاده و پس از طی مسیر و دادن شعارهای ضد دیکتاتوری و ضد ولایت فقیه، بدون بازداشتی و شناسایی از طرف نیروهای سرکوبگر، و دعوت مردم به پیوستن به آنها، به تظاهرات خود پایان می دهند. این گزارشها حکایت می کنند که در آغاز، این تظاهرات شبانه از یک یا دو مجموعه ساختمانی آغاز گشته بود که اینک به چندین مجموعه گسترش یافته است. همچنین، گفته می شود که بارها مأموران نیروی انتظامی و اطلاعاتی به مدیران ساختمان ها رجوع کرده و ایشان را تهدید به بازداشت نموده است. اما مدیران مجموعه ها از وجود چنین تحرکی اظهار بی خبری کرده و وقوع آن را انکار می کنند. همچنین از شهرک آپادانا، محله ی جانباخته راه آزادی، سهراب اعرابی گزارش می شود که در شب جمعه برابر با چهل سهراب، مردم این محل اقدام به راهپیمایی کرده و در شعارهای خود دیکتاتوری حاکم و نظام جمهوری اسلامی را نفی کرده و همپیمانی خود را با جانباختگان راه آزادی فریاد زدند. گفته می شود که در شب بعد، جمعه شب 30 مرداد، نیز ده ها تن از ساکنین شهرک آپادانا در اقدامی خودجوش در محوطه این شهرک دوباره تجمع کرده و شعار سر دادند. از جمله شعارهای مردم معترض در شهرک آپادانا «مرگ بر دیکتاتور»، «آزادی اندیشه از پنجره نمیشه و» «درد ما درد شماسست، مردم به ما ملحق شوید» بود و تجمع کنندگان با خواندن سرود «یار دبستانی» تا نیمه شب به تجمع خود در شهرک آپادانا ادامه دادند.

«راه سبز امید» و گوشه چشمی به جنبش کارگری

طبق گزارشهای رسیده از منابع فعالین تشکیلات «راه سبز امید»، مدتی است که رهبری این تشکیلات در حال بررسی احتمال برانگیختن جنبش کارگری در حمایت از موسوی و این تشکیلات شده اند. در این گزارشات می شنویم که با اُفت شدید شمار شرکت کنندگان تظاهرات های مردمی به تبعیت از فراخوان های کادرهای این تشکیلات، رهبری «راه سبز امید»، برای ایجاد موج جدیدی از اجتماعات مردمی به فکر استفاده از فعالان کارگری وابسته به خود در شوراهای اسلامی و خانه کارگر افتاده و در حال گفتگو و بررسی امکان ایجاد چنین تحرکی در کارگران می باشند. گفته می شود که فعالان کارگری وابسته به این تشکیلات و کارشناسان امنیتی آن به تراکم چندین ساله ی خواسته های کارگری تأکید کرده و با این پیشنهاد به شدت مخالفت می کنند. ایشان هشدار می دهند که در صورت توفیق به برانگیختن کارگران در دخالت در این امور، هیچ تضمینی برای قابل کنترل بودن این جنبش وجود ندارد. مشاوران امنیتی این تشکیلات، به رهبری آن توصیه می کنند که قبل از هر اقدامی از این قبیل، بهتر است که منتظر بازگشایی دانشگاه ها باشند، چرا که خواسته های جنبش دانشجویی با خواسته های این تشکیلات بیشتر همخوانی داشته و «راه سبز امید» و رهبری آن دارای پایگاه کافی برای کنترل این جنبش هستند.

اخبار کوتاه

مردم معترض و اهالی روستای مبارکلاهی جوئیاری مسییر شهرستان جوئیاری و ساری را مسدود کردند

بنا بر خبر دریافتی حدود 200 نفر از مردم معترض و اهالی روستای مبارکلاهی جوئیاری صبح روز پنجشنبه 29 مرداد به دنبال خاکبرداری زمین ورزشی روستا برای ساخت مسکن مهر برای نشان دادن اعتراض خود نسبت به این اقدام با به آتش کشیدن لاستیک خودرو و قرار دادن سنگ و چوب تردد خودروها را در مسییر شهرستان ساری و جوئیاری مسدود کردند .

به دنبال این درگیری و همزمان با ورود نیروهای سرکوبگر انتظامی دامنه درگیری مردم به نیروهای انتظامی کشیده و با برخورد شدید یگان ویژه تیر اندازی هوایی نیز رخ داد . لازم به توضیح است که 17هکتار از زمین های روستای مبارکلاهی برای احداث مسکن مهر و 3 هکتار برای زمین ورزشی اختصاص یافته بود که به علت تخریب زمین ورزشی این اعتراضات صورت گرفت .

قطع یکسره آب آشامیدنی در قصر شیرین و اعتراض شهروندان

گزارشهای دریافتی از شهرستان قصرشیرین از توابع کرمانشاه حاکیست از صبح روز پنجشنبه 29 مرداد و از ساعت ۹ صبح تا ساعات اولیه صبح روز جمعه 30 مرداد آب آشامیدنی در آن شهرستان بصورت کامل قطع شده است . این گزارش می افزاید در حالی آب آشامیدنی آن شهرستان بصورت کامل قطع گردیده که با توجه به گرمای بالای ۵۰ درجه سانتی گراد بیش از ۹۰ درصد مردم از کولر های آبی استفاده می کنند که این امر اعتراض شهروندان آن شهرستان را برانگیخته است . شهرستان قصرشیرین در منطقه گرمسیری واقع شده که قطع آب آشامیدنی حتی در حد ۱ ساعت زندگی مردم را با مشکلاتی همراه خواهد ساخت . هنوز مسئولان آب وفاضلاب استان کرمانشاه نسبت به قطع طولانی مدت آب در آن شهرستان واکنشی از خود نشان نداده اند . و در تماس شهروندان جواب درستی به آنان نمی دهند.

حاکم شدن جو شدید امنیتی و نظامی در برخی مناطق شهر مشهد

گزارشهای رسیده از مشهد حاکی است در روز چهارشنبه 28 مرداد مصادف با پنجاه و سومین سالروز کودتا ننگین امریکایی - انگلیسی سال 1332 ، در شهر مشهد و در اطراف پارک ملت، میدان آزادی ، خیابان آزادی ، بخش هایی از بلوار وکیل آباد و خیابان های معلم و آزادشهر مشهد جو امنیتی و نظامی شدید حاکم شد. پیش از این در فراخوانهایی که در برخی از سایت های اینترنتی منتشر شده بود، از مردم مشهد دعوت شده بود تا در این روز تجمع کرده و به دولت کودتاگران 22 خرداد 88 اعتراض کنند .

بنا به این گزارش، در حالی که حضور نیروهای گارد ویژه، لباس شخصی و نیروهای موسوم به انصار داخل و اطراف پارک ملت مشهد جوی مشابه حکومت نظامی ایجاد کرده بود، معترضان مشهدی به صورت گسترده اما پراکنده در پارک ملت حاضر شدند و اطراف در جنوبی پارک که محل اصلی تجمع اعلام شده بود، قدم میزدند. این گزارش حاکی است، هنگامی که مردم در دسته های کوچک قصد تجمع داشتند، نیروهای امنیتی و گارد ویژه با آرایش هجومی به سمت مردم حرکت می کردند که باز منجر به پراکنده شدن جمعیت می شد. با این حال هیچ گزارشی از بازداشت یا درگیری در این شب منتشر نشده است . همچنین حضور نیروهای امنیتی موتورسوار اطراف میدان تقی آباد و خیابان احمدآباد شهر مشهد در روز چهارشنبه گزارش شده است. گفتنی است پنجشنبه شب نیز جو مناطق مذکور مشهد به شدت امنیتی گزارش شده است. در این شب همزمان با پخش سخنان رئیس دولت کودتا از تلویزیون شعارهای مردمی در تعدادی از محله های مشهد شنیده شده است.

حمله جوانان معترض در مترو در دشت (علم و صنعت) به یک ماشین پلیس

روز 28 مرداد، سر مترو در دشت که به علم و صنعت معروف است درگیری بین جوانان و نیروی انتظامی در گرفت ، در این درگیری جوانان به یک ماشین پلیس حمله کردند، به همین دلیل در این منطقه از ساعت 6 بعد از ظهر تا 12 شب حکومت نظامی برقرار شد و مأموران سرکوبگر و مزدوران نظام از ترس حمله مجدد جوانان آزاده و معترض بر تعداد مأموران افزوده و به شدت منطقه را کنترل میکردند.

بدتر از ابوغریب؟ گزارش تکان دهنده تایمز از تجاوز به رضا نوجوان ۱۵ ساله در زندان

تایمز انگلیس با همکاری عفو بین الملل و منابع معتبر خود گزارش کاملی از تجاوز به بازشدگان را فاش ساخته است. در این گزارش آمده رضا نوجوان 15 ساله ای است که در مرکز ایران، در یک خانه امن پناه گرفته است اما به تأیید پزشک معالج، قصد خودکشی دارد. وی به همراه عده ای نوجوان هم سن و سال خود که حتی هنوز به سن رای دادن هم نرسیده اند در جمعی دستگیر شده و در زندان بارها مورد تجاوز وحشیانه و تحقیر جنسی قرار گرفته اند. مجله تایمز تحقیرهای جنسی علیه این زندانیان را معادل و یا بدتر از آنچه می داند که جمهوری اسلامی ایران ایالات متحده را برای ارتکاب آن در زندان ابوغریب ملامت نموده است. این نوجوان که نام وی، محل اقامت و نام پزشک معالج وی نزد تایمز محفوظ است می گوید در روز اول به بازداشتگاه نامعلوم (سپاه یا بسیج) سه نفر لباس شخصی به وی حمله کرده اند و یکی او را به زور نگه داشته، یکی رویش نشسته و دیگری روی وی ادرا ر نموده و سپس به طرز وحشیانه ای به وی تجاوز کرده اند. وی در طول مدت زندان (حدود 20 روز) بارها مورد تجاوز قرار گرفته است، حتی پس از انتقال به بازداشتگاه رسمی نیروی انتظامی، رضا برای خودکشی در زندان سر به زمین کوبیده است. او شاهد تجاوز به چندین نفر دیگر نیز بوده و به شهادت پزشک معالج و تأیید نماینده عفو بین الملل در ایران، ادعاهای رضا مبنی بر تجاوز، جراحات جسمی، آسیبهای روحی و تحقیرهای جنسی با واقعیات منطبق می باشد. رضا شاهد زنده مهدی کروبی، افشاگر تجاوز به زندانیان دربند می باشد. تجاوزکنندگان به رضا مرتباً می گفته اند این کارها را در راه خدا انجام می دهیم و سزای معترضین به نظام اسلامی همین است. گویا صورت وی را در مدفوع فرو کرده اند و در اعتراض به تجاوز، بازجوی وی دوباره به او تجاوز نموده است. رضا می گوید زندانیان نوجوان را مجبور به "عمل جنسی با یکدیگر" نیز نموده اند و گفته اند با این عمل "پاک می شوید". در نهایت رضا با وثیقه ای در حدود 70 میلیون تومان در دادگاه انقلاب و با سپردن تعهد مبنی بر عدم افشاگری در مورد این رفتارهای وحشیانه آزاد شده است. در بیمارستان، نوجوان شانزده ساله دیگری که از وی به عنوان سردسته نام برده شده در اثر شدت جراحات به شهادت رسید. شخصیتهای این گزارش با بیان این واقعیات جان خود را به خطر انداخته و خانواده رضا قصد خروج از کشور دارند.

صدها جنازه جانباختگان راه آزادی را مخفیانه نگاهداری و دفن می کنند

طبق اخبار منتشر شده روز بیست و یکم و چهارم تیرماه در بهشت زهراى تهران پیکر دهها نفر از شهروندان تهرانی که در اعتراضات اخیر توسط نیروهای سرکوبگر کشته شده بودند بدون اسم و مشخصات فردی تحت تدابیر شدید امنیتی در قطعه 302 بهشت زهراى تهران به خاک سپرده شده اند.

یکی از پرسنل زحمت کش بهشت زهراى تهران به خبرنگار نوروژ گفت: "در روزهای 21 و 24 تیرماه جنازه هایی بدون نام و مشخصات و تحت تدابیر شدید امنیتی، به این قبرستان آورده شده و با صدور اجباری جواز دفن برای آنها در قطعه 302 به خاک سپرده شده است. با پیگیریهای خبرنگار نوروژ از بهشت زهراى تهران، روز بیست و یکم تیرماه از بین جوازهای دفن صادر شده در آن قبرستان، 28 جواز بدون ذکر نام و نام خانوادگی صادر شده و همگی در قطعه 302 به خاک سپرده شده اند. 24 تیرماه نیز 16 جواز دفن با شرایط فوق صادر شده است.

همچنین خبرهایی دیگر که به خبرنگاران همین سایت رسیده بود حاکیست که **پیکر پاک صدها جانباخته ی اعتراضات مردمی یک ماه اخیر در سردخانه ای در جنوب غربی تهران نگهداری می شود**. این در حالی است که بسیاری از خانواده های زندانیان در بند همچنان نگران عزیزانشان این نهاد به آن سازمان و از این زندان به آن دادگاه سرگردان و حیران بازی داده می شوند و هیچ مقام مسئول و غیر مسئولی در کشور حاضر به پاسخگویی به این خانواده های نگران نیست، برخی از خانواده ها را به محل نامعلومی دعوت می کنند و بعد از توجیه و تهدید آنها به آسیب دیدن دیگر اعضای خانواده و همچنین گرفتن تعهد مبنی بر عدم اطلاع رسانی در مورد مرگ فرزندانشان و امضاء اورا قی با این مضمون که تأیید

اخبار کوتاه

می کنند عزیزانشان بر اثر تصادف و یا دیگر حوادث طبیعی جان سپرده اند جنازه های آنها را تحویل خانواده های داغدار می دهند. به گزارش خبرنگار نوروز به نقل از یکی از این خانواده ها که نخواست نامش فاش شود، وی را به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی بوده است برده اند و آلبومی در اختیارش گذاشته اند که تصویر صدها کشته در آن بوده است تا جنازه فرزندش را از بین آنها پیدا کند. به گفته وی دیدن تصاویر کشته شده ها نزدیک به نیم ساعت به طول انجامیده است. وی افزود در زمان خروج از این سردخانه بیکر صدها شهید را دیده است که در آنجا روی هم گذاشته شده بودند. این مادر داغدار می گوید با آنکه جنازه فرزندم را پیدا نکردم اما با دیدن آنهمه جنازه که رو هم دیو شده بود از هوش رفته ام و وقتی به هوش آمدم که در بیرون سرخانه و در ماشین بوده ام.

ناآرامی در مترو کرج و تهران

صبح امروز در پی تاخیر و بی نظمی قطارهای مترو گلشهر و کرج، مسافران قطارها دست به اعتراض زده و در هر ایستگاه مانع از حرکت قطار می شدند. همچنین در ایستگاه صادقیه و در خط دو مترو نیز این نا آرامی ها شدت پیدا کرد و با سردادن شعار مانع از حرکت قطار شدند. این وقایع با قطار سریع السیر ۷ صبح گلشهر شروع پیدا کرد و تا ساعت ۹،۳۰ که در آنجا بودم ادامه داشت.

دوشنبه شب باز هم در خوابگاههای دستغیب و مفتح دانشگاه شیراز

از شیراز خبر میرسد که اعتراضات دانشجویی به دولت کودتا در دانشگاه شیراز، برای دومین شب متوالی به شکلهای مختلف ادامه یافته است. به گزارش موج سبز آزادی، دوشنبه شب خوابگاههای دستغیب و مفتح که متعلق به دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه شیراز هستند، برای دومین شب متوالی شاهد اعتراضات دانشجویی بود. بر اساس این گزارش، دانشجویان از ساعت ۲۳ ابتدا در خوابگاه پسرانه دستغیب و سپس در خوابگاه مفتح فریاد الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور سر دادند و اعتراض خود را برای شب دوم به کودتایان اعلام کردند. گزارش موج سبز آزادی از دانشگاه شیراز حاکی است، اعتراضها به شعارهای شبانه محدود نمیشود، بلکه شعارهایی همچون مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر دولت کودتا و شعارهایی علیه رهبری به وفور در مکانهایی چون آسانسورها، داخل سرویسهای اتوبوس و ... دیده میشود.

تجمع خانواده بازداشت شدگان در برابر دادگاه نمایشی

بنابه گزارشات رسیده، از صبح امروز خانوادههای دستگیرشدگان در مقابل دادگاه فرمایشی تجمع کردند تا به این دادگاه فرمایشی اعتراض کنند. خانوادههای دستگیرشدگان اعتراضات اخیر از حدود ساعت ۹ صبح تجمع خود را آغاز کردند و تا ساعت ۱۱ تعداد آنها به حدود ۲۰۰ تن رسید. این گزارش حاکی است تلاش نیروهای پلیس و لباس شخصی برای متفرق کردن این خانوادهها تا به حال بی نتیجه بوده و آنها همچنان به اعتراضات خود ادامه میدهند. بر اساس این گزارش، نیروهای انتظامی و لباس شخصی که در مقابل محل دادگاه فرمایشی و در میدان ۱۵ خرداد و خیابانهای داور، خیام و دیگر خیابانهای اطراف حضور داشتند، در مواردی خانوادههای دستگیرشدگان را مورد آزار و اذیت قرار دادند تا آنها را متفرق کنند، اما موفق نشدند.

جمع کردن عکس خامنه ای از بیلورد های شهر تهران

دوستان تهرانی حتما در چند سال گذشته هر گاه از اتوبان کردستان خروجی همت رد شده اند عکس بسیار بزرگی را از علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی روی بیلورد تبلیغاتی دیده اند. چند وقتی است که من توجه کردم هر چند روز یکبار ماموران حکومت مجبور میشوند عکس را پایین بیاورند چون يك بنده خدایی رنگ سبز میپاشد به کله آقا! خود من سه، چهار بارش را دیده ام. امروز هم دیدم که دوباره عکس را برداشته اند. گفتم توی وبلاگم بنویسم. این جنبش سبز هیچی اگر نداشت حداقل باعث شد ما قیافه نحس خامنه ای را در سطح شهر کمتر ببینیم

دستگیری دو تن از اعضای انجمن فرهنگی هنری سایه

دو تن از اعضای انجمن فرهنگی هنری سایه؛ پژمان رحیمی و محمد اسماعیل ونیدی در تاریخ ۲۶/۵/۱۳۸۸ در منزل بازداشت شده اند و تا کنون هیچگونه اطلاعی درمورد اتهام ایشان به خانواده هایشان داده نشده است. ما اعضای انجمن بدین وسیله مراتب نگرانی خود را نسبت به وضعیت دوستانمان اعلام می داریم و خواهان آزادی هرچه زودتر ایشان هستیم. لازم به تذکر است که انجمن سایه یک انجمن فرهنگی و هنری می باشد که از دهه هفتاد مجموعه ای روشنفکر چپ در اهواز را متشکل کرده که صرفاً به پژوهش و ارائه نتایج آنها اقدام می کنند. این مجموعه همواره زیر فشار دستگاه های امنیتی و سرکوبگر حکومت استبداد مذهبی بوده و هست.

هشدار به کارگران و کارکنان پروژه های میدان گاز پارس جنوبی و منطقه عسلویه

اطلاعیی شرکت نفت و گاز پارس می گوید: «طرح های برنامه ریزی شده ی پارس جنوبی با ادامه ی شرایط فعلی به بهره برداری نمی رسد.» یک گزارش از یک کارشناس نفت و گاز در ایران هم نشان می دهد به دلیل تحریم های اقتصادی صنایع نفت و گاز میدان پارس جنوبی از سوی شرکت های خارجی و بی تدبیری دولت در چهارسال گذشته یکی از بزرگترین طرح های اقتصادی ایران متوقف مانده و هرسال بین پنجاه تا هفتاد و پنج میلیارد دلار زیان این زمان از دست رفته است.

پارس جنوبی به گفته ی کارشناسان بزرگترین مخزن گازی جهان است. این میدان گازی مشترک با قطر در آب های خلیج فارس در دهه ی ۱۳۵۰ یا اوایل ۱۹۷۰ کشف شد. قطر در سال ۱۹۹۰، ایران در سال ۲۰۰۱ بهره برداری از آن را آغاز کردند. اما براساس گزارش کارشناسان در چهارسال اخیر، تلاش های فعالان اقتصادی بی اثر مانده و منطقه ی عسلویه و میدان پارس جنوبی که نامد پیشرفته ی صنعت نفت ایران به حساب می آمد، عملاً به خواب رفته است. و از صد هزار نیروی کار داخلی و خارجی که در بندر عسلویه مشغول به کار بودند، حالا کمتر از پنج هزار نفر در آنجا کار می کنند.

بیش از ۵۰۰ تن از کشاورزان سرخس دست به تجمع اعتراضی زدند

بیش از پانصد تن از کشاورزان شهرستان سرخس در اعتراض به غصب زمینهایشان توسط کارگزاران چپاولگر رژیم آخوندی در آستان قدس رضوی در مقابل پمپ بنزین ورودی شهر تجمع کردند. کشاورزان معترض در این منطقه چادر زده و از يك هفته پیش به اعتراض خود ادامه می دهند. بنابه گزارشهای دریافتی به رغم گذشت يك هفته از این حرکت اعتراضی، هیچگونه جوابی از سوی کارگزاران رژیم به آنها داده نشده است.

با ارسال گزارش از محل اشتغال زندگی و مبارزات خود به غنای هر چه بیشتر این نشریه بیافزایید

اخبار کوتاه

شعار نویسی روی دیوارها همچنان ادامه دارد

روز یکشنبه اول شهریور در خیابان فرشته بعد از میدان تختی نبش خیابان، مردم روی تابلوهای راهنمایی رانندگی شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ برخانه ایبی" نوشته که ماموران انتظامی تابلوها را با رنگ سیاه پاک کردند ولی مجدداً مردم روی آنها را شعار مینوشتند که نهایتاً مجبور به کندن تابلوها شده اند. لازم به ذکر است که کلیه دیوارهای خیابان فرشته نیز به دلیل نوشتن شعار و رنگ پاشیدن روی آنها از طرف مردم رنگ شده اند.

اعتراض شبانه مردم در پشت بام ها همچنان ادامه دارد

خیابانهای تجریش، ونک، یوسف آباد، صادقیه، فلکه اول صادقیه و تهرانپارس شاهد طنین الله اکبر در شبهای ماه رمضان بود. در کرج و عظیمیه کرج نیز صدای الله اکبر و مرگ بردیکتاتور شنیده می شد. نیروهای بسیجی همچنان شب ها از ساعت 22 خیابان های اصلی و میدانی را تحت پوشش دارند و هر وسیله نقلیه عبوری که سرنشینان آن جوانان باشد را مورد تفتیش قرار می دهند.

دانشجویان کوی دانشگاه با شعار دادن بر ضد نظام مخالفت خود را با خفقان سیاسی موجود نشان دادند

بنا بر خبر دریافتی در اولین شب از ماه رمضان دانشجویان ساکن کوی دانشگاه همصدا با مردم آزاده تهران بر ضد دولت و نظام دیکتاتور و سران آن شعار دادند. دانشجویان کوی که با نزدیک شدن به بازگشایی کوی به خاطر برگزاری امتحانات عقب افتاده خردادماه هر روز بر تعدادشان افزوده می شود، شنبه شب 31 مرداد ماه همراه با مردم ساکن در محله های اطراف کوی با سر دادن شعارهایی نظیر "مرگ بر دیکتاتور چه رهبر چه دکتور" و "شکنجه اعتراف دیگر اثر ندارد" مخالفت خود را با خفقان سیاسی موجود در جامعه نشان دادند.

خیابان ولی عصر بخاطر مسائل سیاسی یک طرفه شد

خیابان ولی عصر، طولانی ترین خیابان پایتخت ایران و خاورمیانه به خاطر آن یک طرفه شد. حضور گسترده مردم تهران در تظاهرات و اعتراضات خیابانی چند ماه گذشته موجب گردید برای کنترل شهر تهران خیابان ولی عصر یعنی شریان جنوبی شمالی تهران را برای سرعت و تسهیل انتقال نیروهای سرکوبگر به نقاط مختلف تهران، یک طرفه کنند. هرچند یک طرفه شدن خیابان ولی عصر در گام نخست با عنوان کمک به تسهیل امر آمد و شد و راه اندازی خط اتوبوسهای تندرو یعنی بی آر تی صورت گرفت اما بررسی ها نشان می دهد این تصمیم تنها یک عمل سیاسی بود. زیرا ظرف چند ماه گذشته از آغاز درگیری ها و اعتراض های خیابانی، محدوده های خیابان ولی عصر به ویژه در اطراف میدان ونک، پارک وی، میدان تجریش، میدان ولی عصر و سایر نقاط محوری این خیابان عمده ترین کانون های اعتراضی بودند. دولت با استفاده از حربه زور و سرکوب گسترده موفق شد بخش مهمی از آشوب ها و اعتراض های خیابانی در مناطق مرکزی شهر را کنترل کند، اما در مناطق محدوده ولی عصر شمالی این درگیری ها و اعتراض ها هرگز مهار نشد. بافت مناطق شمالی شهر تهران از میدان ولی عصر به بالا به دلیل ترافیک و ازدحام انسانی و خودرویی همواره کانون اعتراضات گسترده بود. این در حالی است که نیروهای سرکوبگر به دلیل مشکل در جابجایی نیرو نمی توانستند واکنش های سریعی از خود نشان دهند. ترس از شروع یک اعتراض همگانی و برپایی تظاهرات گسترده در این محدوده وسرایت آن به سایر نقاط تهران و کشور موجب گردید که شورای تامین استان تهران برای مقابله با این رخدادهای احتمالی خیابان ولی عصر را یک طرفه کند. با یک طرفه شدن خیابان ولی عصر نیروهای امنیتی و پلیس به راحتی قادرند نیروهای خود را به نقاط مختلف شمالی و جنوبی تهران انتقال دهند. و با توجه به وجود همین خط انتقال نیروهای سرکوب گر در مرکز شهر تهران در حال حاضر تهران برای نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی قابلیت دسترسی است.

کارگران زندانی سندیکای شرکت واحد حق استفاده از مرخصی را ندارند

دادگاه انقلاب برای چندمین مرتبه با اعزام اعضای دربند سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد به مرخصی مخالفت کرد. فیروزی از مسئولان دادگاه انقلاب برای چندمین مرتبه با اعزام به مرخصی آقای ابراهیم مددی نائب رئیس دربند سندیکای کارگران شرکت واحد مخالفت کرد، وی دلیل مخالفت خود را نظر منفی دستگاه امنیتی بر استفاده از حق مرخصی آقای مددی و همینطور منصور اسانلو رئیس دربند سندیکای کارگران شرکت واحد به دلیل اینکه نامبردگان در صورت اعزام به مرخصی فعالیتهای خود را ادامه خواهند داد عنوان داشت. لازم به ذکر است پیش تر قاضی حداث معاون امنیت استان تهران از خانواده این فعالان کارگری دربند خواسته بود با پیگیری استفاده این افراد از حق مرخصی وقت خود را هدر ندهند!

نشانه های تضعیف احمدی نژاد و آغاز عقب نشینی دولت کودتا

بقول لنین، حکومت ها در دوران انقلابی زمانی دست به اصلاحات می زنند که دیگر اهمیت خود را از دست داده اند. این واقعیت پرده ای از عملکرد دولت کودتا در شرایط کنونی است. پس از افتضاحات افشا شده در نیروهای انتظامی و بازداشتگاه های خارج از نظارت قوه قضائیه، مسئول جدید آن، آقای لاریجانی، اقدام به برکناری قاضی مرتضوی و دری نجف آبادی، مهره های اصلی کودتاچیان در قوه قضائیه، می کند و مطبوعات حکومتی و اصلاح طلب این اقدام را حرکتی معنا دار و مهم در جهت اصلاح روش های خشونت آمیز و غیرقانونی قوه قضائیه می خوانند. اما با در نظر گرفتن اینکه با تعویض این مهره ها و جایگزینی آن با مهره هایی با همان تاریخچه ی اقدامات غیرقانونی و خشونت آمیز علیه مردم و زندانیان، چه تضمینی می تواند برای عدم تکرار همان روشها نباشد. آنهم افرادی مثل محسن اژه ای، وزیر برکنار شده ی اطلاعات دولت کودتا، و مرتضی بختیاری، رییس سابق سازمان زندانها، که در زمینه هایی، حتی شهرت بدتری از دری نجف آبادی و مرتضوی دارند. خواسته اصلاحی و زیر اقلیتی مردم ایران در حال حاضر معرفی، بازداشت و محاکمه و تنبیه تمامی کودتاچیان و مهره های سرکوب مبارزات مردمی، آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی، توقف فوری دادگاه های فرمایشی، بازداشت کلیه قضات پرونده های امنیتی، بخصوص قاضی حداث و ... می باشد. با در نظر گرفتن سطح خواسته های حداقلی مردمی و اقدامات لاریجانی بعنوان رییس قوه قضائیه، چه اهمیتی می توان به این «اصلاحات» داد. البته این اقدامات و تهدید بستن نشریه امنیتی کیهان، بیانگر آغاز عقب نشینی حکومت کودتا است. باز هم بقول لنین، چنین مقطعی از انقلاب، زمانی است که اقدامات حکومتیان را زیر ذره بین ببریم و برای مردم روشن سازیم که اینها صرفاً اقداماتی تزئینی و بدون محتوا است، تا مردم گول ادعاهای «اصلاحی» را نخورند. اقدام دیگری که نشان از عقب نشینی حکومت جمهوری اسلامی را می دهد، آغاز عقب نشینی در مقابل خواسته های سرمایه داری غرب در مذاکرات هسته ای است. خبرگزاری های خارجی گزارش می دهند که ایران با درخواست بازرسی نیروگاه های هسته ای از طرف آژانس موافقت کرده و حتی اجازه داده تا آنها کنترل و نظارت بیشتری بر تأسیسات هسته ای نظیر اعمال کنند. احمدی نژاد بارها بر روی این خط قرمز تأکید کرده بود. اما اینک که پایه های دولتت از تکان های مردمی تضعیف شده و مشروعیت دولتت در سطح جهانی با تردید روبرو گشته، حاضر شده است تا روی این خط قرمز گذاشته و قبل از مذاکرات و شاید حتی برای آغاز مذاکرات غرب با دولتت، چنین امتیازاتی را به ایشان بدهد.

راهپیمایی مردم سندج در ۲۸ مرداد

روز چهارشنبه 28 مرداد مردم سندج و بیجار هم مانند دیگر شهرهای کردستان مغازه های خود را بستند. و وارد اعتصاب شدند. حدود 1000 نفر از مردم در سندج در میدان اقبال دست به راهپیمایی زدند و به یاد شهدای قتل عام روی دیوار ها شعارنویسی کردند.

تجمع اعتراضی مردم خرم آباد در ۲۸ مرداد

روز چهارشنبه 28 مرداد ساعت 2000 مردم خرم آباد در میدان آزادی تجمع اعتراضی برپا کردند. نیروهای مزدورحکومتی خیابان های به سمت شریعتی را بسته و فضای امنیتی شدیدی ایجاد کرده بودند. پلیس و گارد و نیروهای ضد شورش رادر خیابانها آورد ه بودند و به مردم معترض اجازه رفتن به سمت میدان آزادی را ندادند.

کارکنان معترض صنایع چوبی در شاهرود با خوابیدن روی زمین خیابان رجایی را مسدود کردند

بنا بر خبردریافتی، خیابان رجایی شاهرود در پی حرکت اعتراضی حدود 60 نفر از کارکنان شرکت صنایع چوبی پاییزان و خوابیدن آنها در این اقدام اعتراضی برای دقایقی مسدود شد. این کارکنان در اعتراض به دریافت نکردن سود و اصل پول خود و کارکنان و کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای خود تجمع کرده بودند. گفته میشود که مدیران این شرکت بعد از دریافت چند میلیارد تومان از مردم از طریق قرارداد سلف و پرداخت ماهانه 20 تا 25 درصد سود، اکنون به بهانه ورشکستگی اصل پول مردم و حقوق کارکنان و کارگران خود را نمیدهند. در خلال این تجمع که حدود 5 ساعت به طول انجامید تجمع کنندگان شعار الله اکبر سر می دادند. به گفته برخی از تجمع کنندگان به دلیل تباہی مدیر عامل این شرکت (معصومی) با دادستانی و نیروی انتظامی، این نهادها از پیگیری این خسارت خودداری کرده و جوابگویی مردم و معترضین نیستند. سرانجام این تجمع با دخالت ماموران انتظامی و دستگیری سه تن از تجمع کنندگان در ساعت 15 پایان یافت. بر اساس آخرین خبرهای دریافتی معترضان امروز 29 مرداد نیز مجدداً مقابل دفتر این شرکت واقع در خیابان رجایی شاهرود تجمع کردند.

تجمع مردم معترض شهرستان ساوه در مقابل فرمانداری

بنا بر خبر دریافتی تعدادی از مردم روستاهای کوهپایه شهرستان ساوه صبح روز چهارشنبه در مقابل فرمانداری ساوه تجمع کردند. بنا بر همین خبر جمعیتی از روستائیان بیلاق دینرآباد و چرمک که مجموعاً 200 خانوار دارند در اعتراض به پرکردن چاههای آب آشامیدنی منازلشان، در مقابل فرمانداری ساوه تجمع کرده و خواستار رسیدگی مربوط به آن شدند. به گفته مردم معترض، مالکان قنات تیرآباد که در فاصله 4 کیلومتر از چاههای آب شرب روستاهای کوهپایه ساوه قرار دارد شکایتی مبنی بر واقع بودن این چاهها در حریم چاههای قنات تیرآباد به دادستان ارائه کرده اند و دادستان نیز دستور پرکردن چاهها را داده است. لازم به ذکر است که روز سه شنبه 27 مرداد با حکم قضایی دادستانی حدود 30 چاه آب شرب منازل این روستائیان را بولدورز پر کرده اند.

جنگ و گریز، تاکتیک ونکی ها در مقابله با نیروهای سرکوبگر

روز چهارشنبه 28 مرداد از ساعت 1600 از پارک وی تا میدان ولیعصر نیروی انتظامی چیده بودند، یک طرفه کردن خیابان ولیعصر باعث ازدیاد ترافیک شده و مردمی که برای اعتراض در خیابانها بودند با مشکل روبرو شده بودند. جمعیت معترض اکثراً در اطراف میدان ونک تجمع کرده بودند و به صورت بزنج درو شعار مرگ بر دیکتاتور می دادند، موتور سوارها به مردم حمله می کردند. آنها برای سرکوب زنان یک سری ون که روی آن نوشته شده بود "امنیت اخلاقی" به منطقه آورده بودند. چیزی که چشمگیر بود شجاعت تظاهرکنندگان و تاکتیک هایی بود که به کار میبردند.

برگزاری مراسم چهلم جانباخته راه آزادی سهراب اعرابی در بهشت زهرا

دیروز صبح، پنجشنبه 29 مرداد، ساعت 830 مراسم چهلم شهید راه آزادی سهراب اعرابی در بهشت زهرا در قطعه 257 با حضور بیش از 300 نفر از جمله بستگان، معلمان، برخی از فعالین سیاسی، پدر دکتر زهرا بنی یعقوب و مادران صلح و سایر هموطنان برگزار شد. در این مراسم آقای بنی یعقوب پدر زهرا بنی یعقوب سخنرانی کرد. در این مراسم به گفته شاهدان عینی نوشته هایی از سهراب (انشاءهای دوره راهنمایی او) خوانده شد. همچنین مراسم شعرخوانی برگزار شد، دسته گلهایی از طرف خانواده ها و مردم بر مزار وی گذاشته شد. در پایان مراسم سرود سرآمد زمستون خوانده شد. هر لحظه به تعداد مردم اضافه میشد اما بعثت فشارهایی که از طرف مأمورین امنیتی حاضر در محل وارد میشد، مراسم در ساعت 0930 پایان یافت. شایان توجه است که امروز که چهلم سهراب میباشد همزمان با سالگرد فوت پدرش نیز بود و این ناراحتی و غم جمعیت و به ویژه مادر سهراب و خانواده را بیشتر کرده بود.

گزارشی از تجمع خانواده های بازداشت شدگان در مقابل دادسرای انقلاب

به گزارش آژانس ایران خبر از ساعت 9 صبح 28 مرداد، بیش از 100 نفر از خانواده هایی که عزیزانشان را در روزهای گذشته ناپدید شده دیده اند برای رسیدگی به وضعیت این عزیزان در جلوی دادسرا حضور یافتند. اما هیچ یک از خانواده ها نتوانستند به طبقات امنیت یعنی طبقه سوم و دوم مراجعه کنند و تنها از طریق تلفن پیگیر وضعیت شدند و از آنطرف سیم ها تنها این جواب را گرفتند که بروید تا از طریق تلفن به شما اطلاع دهیم که بیاید. اما خانواده ها که مسائل چند روز اخیر از جمله تجاوز و شکنجه های بیش از حد را شنیده اند به هیچ عنوان با این مسئله مجاب نشده و با صدای بلند با عنوان دروغگوها آنها را خطاب میکردند. تعدادی از پیرمرد ها می گفتند وقتی رهبرتون دروغگو هست از شما انتظاری نمی رود. مأمورین لباس شخصی بیش از روزهای قبل با قیافه های تابلو در بین جمعیت حضور داشتند و از روبه روی دادسرا چند نفر با دوربین و به صورت خیلی عادی از خانواده ها و تحرکاتشان فیلمبرداری می کردند. خانواده ها با فرستادن صلوات و الله اکبر اعتراض قلبی شان را اعلام می کردند، در بین جمعیت چند خانواده کرد حضور داشتند که عزیزانشان برای کارگری به تهران آمده و در تظاهرات ها دستگیر شده اند. یکی از این خانواده ها که پیر مرد و پیر زنی بودند با بغض می گفتند از روز شنبه هیچ خبری از فرزندشان ندارند، آخرین تماسش 5 شنبه بوده و فرار بوده که بعد از 3 ماه کارگری 5 شنبه بیست و نهم به منزلش برود. دوستانش می گویند در روز شنبه جلوی روزنامه اعتماد ملی در کریمخان که فاصله زیادی با محل کارش ندارد دستگیر شده و تا روز 28 مرداد هیچ نتیجه ای از پیگیریشان نگرفته اند و حتی نامش در لیست بازداشتی ها وجود ندارد. این پدر و مادر پیر و رنج دیده از ندادی و بلا تکلیفی و آوارگی در شهر تهران می گفتند و اینکه به دلیل نداشتن پول در پارک ها شب را به صبح میسرسانند. این خانواده دردمند به دلیل تعطیلی دادسرا در 5 شنبه و جمعه تصمیم گرفتند بعد از دادسرا به شهرشان کامیاران برگردند و مجدداً روز شنبه مراجعه کنند.

سخنرانی احمدی نژاد با شعار مرگ بر دیکتاتور پاسخ داده شد

بنابه گزارشات رسیده از تهران، اعتراضات امشب مردم تهران بصورت گسترده همزمان با آغاز سخنرانی احمدی نژاد آغاز شد از تمامی نقاط شهر تهران صدای الله اکبر و شعار «مرگ بر دیکتاتور» به هوا بر می خواست. مردم تهران حوالی ساعت 21:50 همزمان با پخش سخنرانی احمدی نژاد از تلویزیون دولتی بصورت گسترده بر بام منازل، در کوچه ها و خیابانهای فرعی فریادهای اعتراضات خود را با شعار «مرگ بر دیکتاتور» به او پاسخ دادند و با ادامه یافتن سخنرانی دیکتاتور منصوب اعتراضات ادامه یافت. در بعضی از خیابانها جوانان موتور سوار و خودروهای شخصی مردم با بوق زدن متمم با اعتراضات همراهی می کردند. همچنین گزارشاتی از شهرهای مختلف ایران که همزمان با آغاز سخنرانی دیکتاتور منصوب ولی فقیه اعتراضات خود را آغاز کردند. شهرهایی مانند اصفهان، شیراز، اهواز، آبادان، کرمانشاه، قزوین و شهرهای دیگر گزارش شده است. نیروهای سرکوبگرولی فقیه، بسیج و سپاه پاسداران و لباس شخصیها سوار بر موتور بصورت گله ای در میدانی و خیابانها اصلی گشت می زدند مردم با مشاهده آنها بر شدت اعتراضات خود می افزودند و آنها را هو می کردند.

موج اعتراض یقه آبی‌ها در راه است؟

سایت حکومتی الف

الف: گزارشی از وضعیت کارگران: نساجی بوکان-لاستیک سازی دنا-پرریس-کشت و صنعت هفت تپه-ایرالکو-صنعت فولاد

روز یکشنبه کارگران نساجی بوکان متوجه شدند که کارفرما بعد از غیبت طولانی در کارخانه حضور یافته است و همراهش چند نفر کارشناس بانک ملی هم آمده اند تا از دستگاه ها و اموال کارخانه جهت توقیف لیست برداری کنند. جمعی از کارگران بعد از شنیدن این خبر سریعاً خود را به کارخانه رساندند و به کارفرما گفتند که اموال کارخانه در توقیف آنهاست و برای لیست برداری و توقیف اموال باید از صف اعتراض آنها بگذرد.

در تهران کارگران کارخانه لاستیک‌سازی دنا با پلاکاردهای «مدیر بی‌لیافت استعفا استعفا، اخراج 4 نماینده توهین به 2000 پرسنل، ما کارگران لاستیک‌سازی دنا خواستار خلع ید مدیران بی‌کفایت هستیم، هیات مدیره بی‌لیافت اخراج باید گردد» اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند.

کارگران این کارخانه لاستیک می‌گویند که پس از آنکه لیستی از نام همکاران اخراجی خود را مشاهده کردند، با تشکیل شورایی ضمن اخراج مدیران کارخانه، مدیریت آن را برعهده گرفتند.

در پی اخراج کارگران پرریس و پیگیری‌های متعدد آنان دیوان عدالت اداری رای به بازگشت به کار کارگران را صادر نموده اما از آن تاریخ تاکنون کار فرمای شرکت از به اجرا گذاشتن رای دیوان خود داری نموده است.

کارگران پرریس از تاریخ مذکور هر روز ساعت 6 صبح تا ساعت 14 بعدازظهر در محل کارخانه به حالت اعتراض حضور داشتند. صبح روز یکشنبه هم کارگران کارخانه کشت و صنعت هفت تپه دست به اعتصاب زدند و نسبت به حقوق معوقه خود اعتراض کردند. رکود اقتصادی در کشور رو به وخامت است. وزیر اقتصاد معتقد است که سیاست های پولی را باید اصلاح کرد. این خبر بعد از قطعی شدن حضور وی در دولت دهم از سوی رسانه ها منتشر شد. اتاق بازرگانی پیش از این نسبت به ادامه بحران هشدار داده بود. فعالان بخش خصوصی از بالا رفتن ریسک اقتصادی و امنیت می‌گویند. به گفته این فعالان، وقایع اخیر باعث عدم اطمینان در اقتصاد شده است. به نظر می‌رسد این ادعا منطقی باشد. هیچ یک از 33 مهمان خارجی مدعو به یک همایش ریاضی در دانشگاه شریف در این همایش شرکت نکردند. این مدعوین هیچ نوع سرمایه‌گذاری هم قرار نبود انجام دهند و برای شرکت در این همایش کمی دست زدن و تشویق کفایت می‌کرد. کارشناسان با بی سابقه خواندن این اتفاق مجلس ختم ندا و دادگاههای توپ سازی را مقصر دانستند.

اما مسئولین فکر می‌کنند می‌توان با چرخش متغیر نقدینگی، اقتصاد را متحول کرد. حجم پول از 21500 میلیارد تومان در اسفند 86 به 15700 میلیارد تومان در دی ماه 87 کاهش یافته است. کاهش 27 درصدی حجم نقدینگی در حالیکه تورم 25 درصد است یعنی قدرت خرید مردم نسبت به قبل 52 درصد کاهش یافته است.

با این حال فعالان بخش خصوصی منتظرند دولت بسته جدید بعد از انتخابات را عرضه کند. افزایش نقدینگی احتمالاً تنها راه کار در کوتاه مدت است. با افزایش نقدینگی کنترل و مهار تورم به شیوه قبل از انتخابات دیگر ممکن نخواهد بود.

گزارش های رسمی از افزایش 3 درصد نرخ بیکاری در تهران خبر می‌دهد. طی یک ماه و نیم گذشته 1646 کارگر به خیل کارگران اخراجی پیوستند.

اخراج 500 کارگر از شرکت روکش چوبی ایران 900 کارگر از کارخانه صنایع مخابراتی از راه دور و 230 کارگر هتل آزادی طی یک ماه و نیم گذشته در رسانه ها گزارش شده است.

در 500 کارخانه 200 هزار کارگر از 3 تا 50 ماه حقوق در یافت نکرده اند.

این وضعیت البته طبیعی است. ایرالکو مجبور است محصولات خود را حدود 700 تومان زیر بازار در بورس کالا بفروشد که باز هم به دلیل بالاتر بودن قیمت آلومینیوم نسبت به بازار های جهانی خریداران استقبال نمی‌کنند. این بحران باعث شده تولید ایرالکو 50 درصد کاهش یابد.

شرکت های بزرگ صنعت فولاد بورسی با میانگین بازدهی منفی 44 درصد طی تیر ماه 87 تا پایان تیر ماه 88 دوران رکود را تجربه می‌کنند.

با واردات بیش از یک میلیون تن شکر در سال گذشته، 50 درصد واحدهای تولیدی شکر در مدار زیان قرار گرفتند و در باقی کارخانه ها نیز تولید عملاً متوقف شده است.

چک مبادله شده در نظام بانکی در پایان سال گذشته نسبت به سال پیش از آن 42 درصد کاهش یافت.

این در حالی است که چک های برگشتی 7.8 درصد افزایش پیدا کرد که از بعد جنگ تا به حال بی سابقه بوده است.

گزارش های بورس نیز حاکی از سرآشینی سقوط در 150 شرکت بورسی است.

60 درصد ظرفیت تولید کنندگان لوازم خانگی نیز غیر فعال شده است.

ساخت وساز در تهران حداقل 60 درصد کاهش یافته است.

در حال حاضر 56 هزار میلیارد تومان بدهی بانکی وجود دارد.

تعداد فزاینده بیکاران و نیمه بیکاران به گونه ای محتوم در ورای این رکود و ورشکستگی پیاپی کارخانه جات است. کارگران به افشار زیر طبقه سقوط خواهند کرد. آنان دراستیصال کامل برای بقای خود به اشتغال غیر رسمی روی خواهند آورد. از این پس میلیونها یقه آبی که جامعه علیرغم توانایی که دارند خواهان کارشان نیست، خود را بازنده مناسبات جدید می‌پندارند.

طی چند ماه گذشته تمامی اخبار دال بر شکل گیری گسترده اعتراضات یقه آبی ها دارد. ادامه روند کنونی و بی توجهی به رکود بنگاههای اقتصادی موج اعتراضات آبی را به راه خواهد انداخت.

ناگزیر این موج شباهت هایی هم با موج سبز خواهد داشت. به نظر می‌رسد این تحرکات از طرح هلندی رسانه‌ای هم خطرناک تر باشد. شاید از نسخه بیلدبرگی براندازی نرم هم جلوتر رود. شاید هم برخی خواهند آن را پروژه آژاکس 3 بنامند.

تحرکات آبی‌ها بدون شک متعصبانه است. تنها می‌بند سبز نیست که جای خود را به یقه های آبی می‌دهد. انگیزه اصلی این حرکت خودجوش نگرانی از گرسنگی خانواده و شیر خشک فرزند نوزاد و اجاره مسکن آخر ماه و ادامه تحصیل فرزند و درمان همسر است. هر نفر که بیکار شود با خود حداقل 4 نفر را به زیر خط فقر می‌برد. این خانواده بدون شک مستعد فساد می‌شود. سرکوب جنبش آبی ها و برگزاری دادگاه فیروزه ای، حتی اگر به توپ سازی هم بیانجامد، باز هم مانع فساد و انحرافات اجتماعی نخواهد شد. آنومی و

دختران فراری، ایدز و کودکان خیابانی و طلاق و اعتیاد و سرقت و قتل موج قرمزی است که پس از بی توجهی به اعتراضات آبی به سادگی قابل مهار نخواهد بود. البته شاید اگر منافع یقه آبی ها به یقه سفید ها (کارفرمایان و مدیران و سرمایه داران) گره بخورد - که بنظر می رسد در شرایط فعلی گره خورده باشد - بتوان امید داشت که اعتراضات آبی و فیروزه ای موثر باشد. نباید فراموش کرد که هیچ کس اعتراض یقه سفید ها را مخملی و نرم نمی داند. یقه سفید ها ولی نعمتند. یک صبح تا ظهر تعطیلی بازار طلا در اعتراض به قانون مالیات بر ارزش افزوده، برای ملغی شدن آن به دست رئیس جمهور کفایت می کند. اعتراض یقه سفید ها همیشه سفید است نه رنگی. باید از خلسه پرانده سبز خارج شد و بیشتر نگران خروش آبی ها و سیاهی فقر و قرمزی فساد بود.

تاریخ به شکل فکاهی تکرار می شود

رامین رحیمی

امروز، هنگام خواندن اخبار، با چند عنوان جالب روبرو گشتم که من را به یاد همان سال های اول «دوم خرداد» (۱۳۷۶) انداخت. مثلاً، رضوی فقیه در مصاحبه ای با میزان نیوز خواهان تشکیل «جبهه ای فراگیر از نیروهای اصلاح طلب» شد. و در جای دیگر (سایت فرا رو) علیرضا بهشتی صحبت از وارد شدن طرح «تشکیلات راه سبز امید» به مرحله «کارشناسی» نمود. این اعلان ها مرا به یاد تشکیل «جبهه مشارکت» انداخت که با سر و صدای زیاد، مدعی فراگیر بودن می کرد و هزاران طرح «کارشناسی» می آورد که چرا باید یک «جبهه» باشد و نه «حزب»، اما در پایان با یک تشر از سوی محافظه کاران، تبدیل به «حزب مشارکت» شد و تمامی تشکیلاتش هم، از جمله انتخاب دبیرکل و برگزاری کنگره و اعلام برنامه و ... نشان داد که چیزی بیش از یک حزب نیست و با حذف ملی - مذهبی ها و «نهضت آزادی» و عدم شرکت مجاهدین انقلاب و مجمع روحانیون و ... و حتی شخص خاتمی، مسلماً فراگیر نشد. جالب اینکه دوباره نظرات «کارشناسی» از همان «کارشناسان» می آمد که چرا اصلاً باید حزبی رفتار کرد و نه «جبهه ای»!! این بار هم، علیرغم اعلان اولیه ی آقای بهشتی در خصوص حضور کروی و خاتمی در این «تشکیلات فراگیر»، معلوم شد که این آقایان تنها در «جریان کارها هستند و مورد «مشاوره قرار خواهند گرفت.» و رفته رفته خواهیم دید که کارشناسان با امید سبز «قانونی شدن»، خود را حزب معرفی کرده و از کمیسیون احزاب درخواست مجوز خواهند نمود.

هنوز لبخند این خاطره از روی لبانم محو نشده بود که عنوان بعدی را دیدم: «کروبی مستنداتی از تجاوزات را رو کرد» و «کروبی به کمیته ویژه مجلس شورای اسلامی دعوت شد» و «چهار شاهد تجاوزات معرفی شدند» و ... این دیگر از آن تکرارهای فکاهی تاریخ بود که لبخند را به فقهه تبدیل کرد. این عناوین مرا به یاد تشکیل «کمیسیون ۹۰» مجلس ششم انداخت که با چه آب و تابی، صدمه دیدگان از تعرضات و سرکوبها و قتلهای جانین حکومتی را می پذیرفت. سخنرانی های داغ اصلاح طلبان را بیاد می آورم که: «دیگر این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست!» دوباره جیغ های بنفش نمایندگان اکثریتی ۸۰ درصدی اصلاح طلب در صحن مجلس در گوشم طنین می اندازد که «باید با متجاوزان به قانون و مجریان سرکوب و سانسور برخورد شود» و ...

حتماً از خود سؤال می کنید که چطور است که چنین صحنه های اسف باری باعث خنده من میشود؟ درکش زیاد سخت نیست. اگر شما هم با من سوار قطار خاطره شوید و بیاد بیاورید که در آن سالها، اصلاح طلبان، تمامی قوه مجریه و اکثریت قریب به اتفاق مجلس و تمامی شوراهای شهر را در دست داشتند و از حمایت کامل حکومت های غربی و نهادهای وابسته «حقوق بشری» و «نوبل» و ... بهره مند بودند و هواداران ۷۰ درصدی آنان در کلیه وزارتخانه ها از جمله «اطلاعات» و اداره جات و بنیادها و سازمان های دولتی و خصوصی حضور داشتند و جو جامعه طوری بود که حتی ولی فقیه نیز دم از «دمکراسی مذهبی» میزد، اما اصولگرایان با یک «کمیسیون احزاب» و «هیئت منصفه مطبوعات» آنچنان چوب لای چرخشان گذاشته بودند که نمایندگان مجلس را از روی ناتوانی در پیشبرد کارها به اعتصاب غذا (روزه سیاسی) کشانند، خواهید خندید. آیا خنده دار نیست که الان همان دادو فریادها و ادعاها و ادا و اصول ها را زمانی تکرار می کنند که تمامی ارگان های حکومتی و قدرت را از دست داده اند و کشورهای غربی خود را آماده مذاکره با دولت احمدی نژاد کرده اند و رهبر، حکم تیر داده است و مصباح یزدی تجاوز به جوانان بازداشتی را تا حد صواب تأیید کرده است؟ اگر در چنین شرایطی، ادعاها و شعارهای اصلاح طلبی جوک نیست، پس چیست؟

اما زمانی این خنده به گریه تبدیل می شود که ببینیم، باز هم مردم دچار همان توهم «اصلاحات از طریق ظرفیت های قانون اساسی» و اصلاح پذیری حکومت جانین و متجاوزین، آنهم توسط شرکای قبلی شان، مانند هاشمی رفسنجانی و .. هستند. فعلاً که پس از یک برهه دو ماهه ی جنگ بی وقفه ی خیابانی، مردم کمی ساکت گشته اند و از آنجاییکه این سکوت همراه با کم نویسی و کم حرفی توأم گشته، امید می رود که مشغول به تأمل در گزینه های آبی خود باشند. سؤال اینست: آیا بازهم نیروی خود را در خدمت جناح دیگری از تبهکاران حکومتی قرار خواهند داد و فرصت به دست آمده را خواهند سوزاند؟ یا این بار، با کوله باری از تجارب سی ساله، از نگاه به بالا روی بر خواهند گرداند و با اتکاء به نیروی خویش و همزمان خیابانی شان، شجاعانه به سمت انهدام نهادهای استبدادی و دگرگون ساختن جامعه برای ایجاد دمکراسی پیش خواهند تاخت؟

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

مرگ بر سازشکار!

نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی!

انتشار از «ندای سرخ»

سوم شهریور ۱۳۸۸

گزارشات و تحلیل‌ها

در «جنبش سبز» چه خبر است؟

رامین رحیمی

این روزها در اردوگاه «جنبش سبز» غوغایی بیاست. دلیل آن هم سبقت گرفتن کروی در اذهان عمومی و بالا رفتن آمار طرفدارانش نسبت به موسوی در فعالان «جنبش سبز» است.

در آمارهای انتخاباتی اینکه پس از انتخابات از درون وزارت کشور فاش شد، کروی را با کمتر از ۵ میلیون رأی، در ردیف دوم کاندیدها، پشت موسوی، قرار داده بود. با مطرح شدن خواست تجدید انتخابات، از همان روز اول، کروی و طرفدارانش سعی کردند تا با قاطع تر جلوه دادن او، این ۵ میلیون رأی را جبران کرده تا در صورت تجدید انتخابات، نام کروی بعنوان رییس جمهور آینده ایران در بیاید. او، هم در سخنرانی‌هایش تهور بیشتری از خود نشان می‌داد و هم، در عمل دست به اقداماتی می‌زد که تهور و قاطعیت اش در مبارزه علیه دولت کودتا، بیش از موسوی ظاهر گردد. یکی از این اقدامات، مقاومت در برابر نیروهای امنیتی مستقر در بهشت زهرا در مراسم چهلمین روز جانباختگان بود. او، برخلاف موسوی که در مقابل تهدید نیروهای امنیتی تصمیم به ترک محل گرفت، از این کار خودداری کرد و «شجاعانه» به سخنرانی برای حصار پرداخت. اقدام متهورانه ی بعدی او حاضر شدن در جمع تظاهر کنندگان در خیابان عباس آباد تهران بود. گفته شده است در جاییکه مردم در حال جنگ و گریز با نیروهای سرکوبگر بودند، او با دو سه نفر از همراهانش به میان مردم آمده و برایشان سخنرانی کرده است. این خبر باعث شد تا مقامات دولت کودتا و برخی از مجلسیان به او لقب «رهبر اغتشاش گران» و «تروریست» بدهند. اما مهمترین اقدام او که باعث جهشی باور نکردنی در تعداد طرفدارانش شد، افشا و پیگیری تجاوزات مسئولان بازداشتگاه‌های حکومتی با بازداشت شدگان جوان و قتل ایشان بود. این اقدام بخصوص تأثیر زیادی در ناراضی‌های «جنبش سبز» گذاشت. چرا که با انتقادی از هاشمی رفسنجانی همراه بود. هنگام افشا و انتشار این حوادث، اعلام شد که این اسناد و مدارک را کروی روزها پیش برای هاشمی رفسنجانی فرستاده و حالا که بنظر نمی‌رسد هاشمی بخواهد در اینباره اقدامی بکند، کروی مجبور به طرح مستقیم آن شده است. این عمل متهورانه و همراهی اش با انتقادی از هاشمی، به مذاق ناراضیان «جنبش سبز» بسیار خوش آمد، چرا که ایشان، حضور هاشمی رفسنجانی را در میان رهبران «جنبش سبز» آفتی می‌دانستند که باعث مواضع محافظه کارانه ی موسوی و در نتیجه «جنبش سبز» در مقابل خامنه‌ای و بیت رهبری شده است.

از طرف دیگر، از همان ابتدا، طرفداران موسوی از این اقدامات انتخاباتی کروی دل خوشی نداشتند و گه گاه به طرفداران او نهب می‌زدند که با تندروی‌هایشان باعث هل دادن روحانیون محافظه کار و هاشمی به کمپ کودتاچیان خواهند شد. اما حتی المقدور سعی داشتند تا این اختلافات علنی و برجسته نشود. تا اینکه چنین جهشی در تعداد طرفداران کروی در دو هفته گذشته بوقوع پیوست. در این زمان بود که صدای رقابت‌های درونی آنچنان بلند شد که کسی نتوانست از علنی شدن و برجسته شدن آن جلوگیری کند. در جلسات خصوصی شان تهمت‌ها علیه کروی آنچنان بالا گرفت که طرفداران موسوی، واقعی بودن فراخوان حزب الهی‌ها را در حمله به دفتر روزنامه اعتماد ملی، بخشی از اقدامات رقابتی کروی اعلام می‌شماردند. به همین علت دیدیم که در تظاهرات روز دوشنبه در کریمخان زند، علیرغم حمایت لفظی موسوی، طرفداران او از شرکت در آن اکسیون خودداری کرده و برای اولین بار در چنین تجمعی، حتی یک شعار به نفع حسین موسوی داده نشد. اما در سطح پایینی هواداران «جنبش سبز»، در تریبون‌هایی چون فیس بوک و سایت بالاترین، این درگیری‌های لفظی مستقیم تر و بصورت کتبی در ملاء عام مطرح گردید. مثلاً فردی بنام «ایلی آ» در یکی از پست‌های بالاترین هشدار می‌دهد که «میرحسین برگ برنده‌ی ماست؛ او را نسوزانیم!» (1) و در متن می‌نویسد: «امروز می‌بینیم که برخی طرفداران میرحسین، اظهار می‌دارند که چرا او موضع‌گیری‌های شدیدی بر علیه حاکمیت اتخاذ نمی‌کند و مثلاً چرا در حمایت از کروی که دست به افشاگری وسیع زده، موضعی نمی‌گیرد؟ اما این دوستان فراموش می‌کنند که در همین شرایط که جامعه بهت زده از افشاگری‌های کروی بود و حاکمیت سعی در لاپوشانی آن را داشت؛ میرحسین موسوی تشکیلات «راه سبز امید» را اعلام می‌کند. تشکیلاتی که اعلامش پیشتر از سوی کیهانیان غیرقانونی اعلام شده بود! نظام نمی‌توانست در آن واحد در برابر هر دو مورد «افشاگری و اعلام تشکیلات راه سبز امید» موضع بگیرد.» این حرف از طرف «ایلی آ» باعث برخورد دو طرف گشت. در این رویارویی، طرفداران موسوی هواداران کروی را به سمتگیری به کودتاچیان محکوم کرده و دیگری را حکم به «خفه شدن» و «تفرقه نینداختن» می‌کند (بخش کامنت‌ها - هالیوود) و در طرف مقابل طرفداران کروی، میرحسین را متهم به «جا زدن» و «ترسیدن» کرده و به جناح مقابل می‌گویند: «واژگان شما طرفداران موسوی چرا اینقدر زورگویانه هست؟ این اون دموکراسی بود که ازش دم می‌زدید؟» (بخش کامنت‌ها - اینفدل 286) و در این میان هم یکی می‌گوید «موسوی تنها رهبر جنبش سبز» و دیگری در مقابلش شعار «فقط کروی» را می‌دهد. یا در پست دیگری «ایران سبز» هشدار می‌دهد که: «به هوش باشید، حکومت در بالاترین بدنال جداسازی میرحسین از جنبش است. تفرقه افکنی آنها را یاری نکنیم» (2) او در متن مطلبش اینگونه توضیح داده است: «چند روزی است پست‌هایی در بالاترین می‌بینم که مضمون آن این است که کروی شجاع است و میرحسین نه. شک ندارم که این حرفه ج.ا. است که عده ای از دوستان سبز اندیش نیز ناخواسته دنباله روی می‌کنند. مهم این است که میرحسینی وجود دارد و جنبش با نفس او پاینده و کوبنده است و همینطور شیخ مهدی که الحق و والانصاف شیر مردی است. حال که اخیراً عده ای کور دل به صف سبز اندیشان و رهبرانشان تاخته اند لازم است تا تحت هر شرایطی اتحاد خود را حفظ و از حرف‌های تفرقه انگیز جدا پرهیز کنیم و هر حرکت مشکوکی که بوی نفاق می‌دهد را در نطفه خفه سازیم. مهم است که گول این زالو صفتان رو نخوریم و اتحاد خود را با امید به آینده سبز کشورمان حفظ کنیم.» اینجا دیگر وارد 156 کامنت این مطلب نمی‌شویم که بسیار داغتر و توهین آمیزتر با یکدیگر برخورد می‌کنند. ولی فقط یکی از آنها را که لب مطلب را طرح می‌کند می‌آوریم. «ایران زمین» در پاسخ به اتهامات «اطلاعاتی» و «کودتاچی» بودن مخالفان موسوی، پاسخ می‌دهد که: «دوست عزیز، تعداد زیادی از کسانی که این روزها به میرحسین تاخته اند طرفداران سابق ایشان بوده اند که الان توجهشون به کروی جلب شده و درست یا غلط از موسوی برگشته اند. درست نیست آنها را طرفدار حکومت و کوردل و زالو صفت بنامیم. در ضمن از همان روزهای اول کروی جزو رهبران جنبش بود، بنابراین گرایش به کروی به منزله تفرقه نیست، نگران نباشید.»

پس در اینجا هم با صدق ضرب المثل معروف که می‌گوید: «حرف راست را باید از زبان بچه شنید» روبرو گشته و به محور درگیری‌های درون «جنبش سبز» پی می‌بریم. البته بسیاری از کادرهای حزبی دو طرف و بخصوص موسوی، سعی در جمع و جور کردن «رخت‌های چرکشان» کردند. موسوی برای اینکه ثابت کند که «ترسیده» و در ضمن اختلافات را پویشاند، بالاخره در روز سه شنبه 27 مرداد، در نامه ای به کروی، از او به خاطر «شجاعتش» قدردانی کرده و از افشای جنایات زندانیان حمایت می‌کند. در همان روز، علیرضا بهشتی، دستیار موسوی نیز اعلام می‌کند که «کروی و خاتمی و قوچانی نیز در "راه سبز امید" حضور دارند.» (ایلنا) سایت «موج آزادی» هم برای لاپوشانی عدم شرکت طرفداران موسوی در تجمع 26 مرداد در حمایت از اعتماد ملی، گزارشی از این تجمع را که به ادعا و تأکید خودش، از ویلاگ یکی از فعالان ستاد موسوی که در تظاهرات شرکت داشته است، تجدید چاپ می‌کند. و بسیاری اقدامات دیگر که حتماً توپ و تشر زدن به هواداران که باعث علنی شدن این اختلافات شده اند، جزئی از آن می‌باشد.

فعلاً، تب برخوردها و درگیری‌ها در کمپ «جنبش سبز» موقتاً فروکش کرده است. چرا موقتاً؟ به علت اینکه کروی و هوادارانش هنوز استراتژی موفق خود تداوم بخشیده و به طرح کردن بیشتر کروی و تبلیغ او در رسانه‌های داخلی و خارجی ادامه می‌دهند. از جمله ی این اقدامات انتشار بیانیه مشترک «تحکیم» و «ادوار» در تجدید حمایت از کروی و تعریف از شجاعت وی، اعلام حمایت دوباره «مجمع روحانیون مبارز» از کروی، و پخش خبر «توطئه برای بازداشت کروی» از طرف وزارت کشور و تداوم تبلیغات در ویلاگ‌ها و وسایط‌ها با عناوینی مانند «کروی قهرمان ملی ماست» ()

(4) و ... و ... و ...

البته وجود چنین اختلافاتی در نظام های سیاسی سرمایه داری که تمامی سیاستمداران آن به نام «نمایندگان مردم» یا جنگ و جدال و حذف حریف باید سلسله مراتب هر قدرت را طی کنند تا به قدرت و ثروت بیشتری دست یابند، ناگزیر است. مطمئناً آنچه که تا به حال شاهدش بودیم، پایان این ماجرا نیست. هر چه جنبش مردمی موفقتر شود و حکومت کودتا را وادار به عقب نشینی بیشتر کند، رقابت این دو «رهبر جنبش سبز» نیز حادثر خواهد گردید. فقط امیدواریم تا جناح واقعاً دمکرات جامعه با تکیه به مبارزات طبقاتی کارگران موفق به درهم شکستن کامل این نظام سیاسی شده و با استقرار جمهوری شورایی، قدرت را به فرد فرد ملت بازگرداند تا دیگر هرمی برای بالا رفتن حضراتی از این نوع باقی نماند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، حکومت سرمایه!

نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی!

رامین رحیمی

انتشار از «ندای سرخ»

28 مرداد 1388

(1) <http://ilianaevest.blogfa.com/post-8.aspx> در بالاترین <http://balatarin.com/permlink/2009/8/17/1709153>

(2) <http://greenfreedom.wordpress.com/2009/08/17/etehad/> در بالاترین <http://balatarin.com/>

[permlink/2009/8/17/1709242](http://www.facebook.com/note.php?note_id=131372374448&id=126119916664&ref=nf)

(3) http://www.facebook.com/note.php?note_id=131372374448&id=126119916664&ref=nf

(4) http://baranegonah.blogspot.com/2009/08/blog-post_3789.html

سخنی با هواداران جنبش سبز

رامین رحیمی

در پی اطلاع رسانی من در مطلبی با عنوان «در جنبش سبز چه خبر است؟»، عده ای از هواداران این جنبش، نامه هایی را برای «ندای سرخ» فرستادند و اطلاعات طرح شده در این مطلب را «کذب» خواندند. در صورتیکه این اطلاعات مستند به مدارکی کتبی از طرفین دعوا بود. آیا این سندهایی که آدرس آنها هنوز فعال بوده و در سایت بالاترین قابل رجوع است را «کاذب» تشخیص داده اید؟ یا اینکه معتقدید اصولاً چنین اسنادی را ما جعل کرده ایم. به هر حال خوانندگان با رجوع به این مستندات می توانند خود قضاوت کنند که آیا اطلاع رسانی ما بر مبنای اسناد حقیقی بوده و یا جعلی.

اما آنچه که این اعتراضات به ما نشان می دهد، عقب افتادگی سیاسی طرفداران لیبرال های حکومتی است که تحمل شنیدن واقعیات را ندارند و در عوض رجوع به آنها برای تشخیص مشکلات و معضلات شان، صورت مسئله را از ذهن خود پاک می کنند. البته این برای ما حیرت انگیز نیست، چرا که رهبر سیاسی ای که انگیزه اش از سازماندهی صرفاً استفاده از نیروهای مردمی برای پیشبرد مقاصد شخصی شان است، هرگز زحمت تربیت و پرورش این نیروها را متحمل نمی شوند و نتیجتاً طرفداران آنها صرفاً با نیروی احساسات سطحی و مقطعی شان فعالیت می کنند. به همین دلیل است که روز بروز صف هواداران جنبش سبز رو به کاهش گذاشته و پاسخ دهندگان به فراخوان های ایشان، در عرض دو ماه، از چند میلیون به چند هزار سقوط کرده است. والا هر فردی که ذره ای از دنیای سیاست آگاهی داشته باشد می داند که این حیطة مملو از تضادها و اختلافات است و نیروها در اثر تبلیغ خط مشی های متفاوت، به احزاب و گروه ها و سازمان های متعددی که فراخور حال و اهداف مبارزاتی شان است، سمتگیری می کنند. البته این حکم نسبت به کسانی صادق است که تحت تربیت و آموزش صحیح سیاسی، آگاهانه به این حیطة وارد گشته اند. هدف ما از اینگونه اطلاع رسانی ها و تحلیل ها و ... تربیت و پرورش نیرویی است که برای دریافت اطلاعات سیاسی به خبرنگار و مطالب «ندای سرخ» رجوع می کنند. شیوه ی کار ما مسلماً برای افرادی که مورد چنین آموزش هایی قرار نگرفته و صرفاً با شعارهای تهییجی و اطلاع رسانی سطحی و احساسی سر و کار دارند، عجیب و مشکوک می آید.

دوستان! اگر خودتان هم نمی دانید، آنچه باعث حضور شما در میدان مبارزه سیاسی شده است، اهداف و باورهای اجتماعی شما است که متناسفانه تحت تبلیغات فشرده و یکسویه ی «کیش شخصیت» و «رهبر پرستی» از ذهن آگاه تان به ضمیر ناخودآگاه تان فرو رفته. بسیاری از رهبران هستند که دارای اعتقادات قوی نبوده و در میان راه به اهداف اعلام شده خود خیانت می کنند. و یا مانند اختلافات کنونی شما، رهبرانی به هم نزدیک شده و گاه دور می شوند. سازمان ها متحد و منشعب می گردند. اگر شما به اهداف و باورهای اولیه تان باز گردید و آن را به ذهن آگاه تان برگردانید، چنین اتفاقات متداول سیاسی ای نمی تواند شما را مایوس کرده و از میدان مبارزه دور کند. بلکه برعکس، با شناخت عینی از مشکلات و معضلاتی که مانع تبدیل آرزوهای سیاسی تان به واقعیت می شود، باعث ایجاد نیرویی مضاعف در جهت حل و بر طرف کردن آنها خواهد شد.

متناسفانه آنچه که شما تا به حال از طرف رهبرانتان دریافت داشته اید، کوشش ایشان برای انحصار رهبری کل جنبش مردمی است که دقیقاً به علت «مردمی» بودنش، دارای عقاید و اهداف متفاوت و رنگارنگی است که بعضاً با یکدیگر مخالف و متضادند. این رهبران اگر نیت دمکراتیک داشتند، شما را طوری پرورش می دادند که این واقعیت را درک کرده و پذیرای شنیدن و تحمل عقاید مختلف باشید و به هر کسی حق دهید که برای پیشبرد ایده های خود، با دیگران رقابت کرده و به سازماندهی مجزا از شما اقدام کند. اینست روح دمکراسی! در دمکراسی مورد نظر ما، «حکومت دمکراسی شورایی»، این حق، نه فقط به گروه ها و طبقات و دسته جات، بلکه به تک تک افراد جامعه داده می شود که متفاوت و رنگارنگ باشند و تنها به علت اقلیت بودن و منفرد بودن شان، مورد سرکوب و تحمل خفگان از طرف اکثریت جامعه و دیگران نباشند. نظام سیاسی و اجتماعی ای که اتحاد خود را بر مبنای فردیت انسان ها و متفاوت بودنشان می گذارد.

این توضیح را دادم که شما از توهم جدایی ما از شما در راه مبارزه علیه دیکتاتوری و کودتاچیان رهایی یابید. تا زمانیکه در این میدان و با این هدف مبارزه می کنید، ما را همواره در کنار خود خواهید یافت. پیروز باشید!

انتشار از «ندای سرخ»، 29 مرداد 1388

«صلاحیت» یا «عدم صلاحیت» زنان در کابینه احمدی نژاد

ناهد نور

بعد از آن که احمدی نژاد، اعضای کابینه خود را معرفی کرد، در سایت‌های مختلف بحث بر سر صلاحیت و عدم صلاحیت‌ها شروع شد. اما نکته‌ای که از همه بحث‌برانگیزتر بود، حضور سه زن در کابینه دولت احمدی نژاد بود. برخی از سران مرتجع رژیم و روحانیت، از بیخ و بن، وجود وزیر زن را خلاف گفته‌های خمینی یا شرع یا... اعلام کردند. در سایت‌های اصلاح‌طلبان و سبزه‌ها، بحث پیش‌تر بر سر صلاحیت این زنان بود و این که آیا مدافع حقوق زنان هستند یا نیستند و حتی آنان را "زنان مردسالار" نامیدند. اما واقعیتی که بسیاری، به خصوص طرفداران قانون اساسی و اجرای قوانین کنونی، از کنار آن می‌گذرند و بر آن انگشت نمی‌گذارند، آن است که حتی انتخاب تمام کابینه از میان زنان و آن هم از میان "صلاحیت‌دارترین و بهترین" فمی‌نیست"ها، مشکلات زنان در جمهوری اسلامی را حل نخواهد کرد. چرا؟ خیلی ساده! مگر این "بهترین و صالح‌ترین زنان" قرار است چیزی به جز قوانین جمهوری اسلامی در مورد زنان را اجرا درآورند مگر قرار است قوانینی به جز "حجاب اجباری"، "قوانین چندم‌سری"، نابرابری زنان در مسایلی مانند طلاق، حق حضانت، ارث و... به یک کلام قوانین تبعیض‌آمیز کنونی را به اجرا درآورند؟

بحث "صلاحیت"، در واقع، یک زمینه‌سازی است تا اگر در آینده وضع زنان بهتر نشد، گفته شود که تقصیر از "صلاحیت" این زنان است و نه قوانین موجود. قرار است باز هم بر طبل "قانون‌مداری" و "پایبندی به قانون اساسی" کوبیده شود، وعده‌واهی داده شود که اگر وزرای "باصلاحیت"، به خصوص از میان اصلاح‌طلبان انتخاب شوند، وضع بهتر خواهد شد. دعوی "صلاحیت" به نظر من، ادامه‌ی همان "دعوی قدرت" است. و درست به این دلیل، بحث "صلاحیت" و "تعداد" زنان در کابینه احمدی نژاد یا هر دولتی که بخواهد قوانین موجود را به مرحله عمل درآورد، بحثی انحرافیست.

سناریوی ارتجاع برای بازسازی چهره کریه احمدی نژاد

فرهاد رها

در اقدامی بحث برانگیز محمود احمدی نژاد رئیس جمهور منصوب ولایت فقیه نام سه زن را در لیست وزرای پیشنهادی خود به مجلس شورای اسلامی قرار داده است. در حاکمیتی که تبعیض علیه زنان یکی از نمادهای ایدئولوژی سرکوب است و این ایدئولوژی خود را در تمامی اندام‌های جامعه از تحمیل حجاب اجباری گرفته تا تفکیک جنسیتی نشان می‌دهد، اقدام احمدی نژاد حقیقتاً تابوشکنانه است. اما واقعا داستان چیست؟ آیا احمدی نژاد مترقی و هوادار رفع تبعیض از زنان شده است؟

البته این تصویری است که باند سرمایه داران حاکم بر ایران (سپاه پاسداران و بیت رهبری) می‌خواهند از احمدی نژاد ارائه دهند. اما در ورا این تفسیرها ریشه این اقدامات را باید در واقعیت مفلوک حاکمان اسلامی و مواجهه آنها با نفرت عمیق مردم از احمدی نژاد جستجو کرد. در حقیقت پس از آنکه سید علی خامنه‌ای در نماز جمعه 29 خرداد از سر حماقت سرنوشت خود را به سرنوشت احمدی نژاد گره زد جمهوری اسلامی با یک معضل اساسی روبرو شد و آن نفرت عمیق مردم از نماد تازه حکومت بود. نفرتی که خود را نه تنها در جوک‌های بی پایان سیاسی بلکه در شعارهای خیابانی هم نشان می‌داد. شعارهایی مانند مرگ بر دیکتاتور - چه شاه باشه چه دکتر، ان‌خس و خاشاک تویی پست تر از خاک تویی و...

با توجه به این واقعیات اکنون جمهوری اسلامی راه حل معضل اساسی خود را در بازسازی چهره کریه احمدی نژاد یافته است و می‌کوشد این اقدام را از طریق قرار دادن احمدی نژاد در موقعیت‌های به ظاهر اپوزیسیونی (مخالف) انجام دهد. البته سناریوی قرار دادن احمدی نژاد در موقعیت‌های اپوزیسیونی با انتخاب این سه وزیر زن آغاز نشده است. اقدام احمدی نژاد در انتخاب رحیم‌مشایی به معاونت اولی و مقاومت یک هفته‌ای او در مقابل حکم حکومتی ولایت فقیه و نیز اظهارات هر از چند گاه او دال بر موافقت با حضور زنان در ورزشگاهها را نیز باید در چنین چهارچوبی تحلیل کرد.

سناریو به این ترتیب است که احمدی نژاد شکل مسخ شده‌ای از مطالبات مردم را مطرح می‌کند اما همین شکل مسخ شده مطالبات هم با مخالفت طیف سنتی جناح اصولگرا یعنی طیف روحانیت-بازار مواجه شده و عملاً به فراموشی سپرده می‌شود. در این میان دست آورد احمدی نژاد دو گانه خواهد بود. هم خود را در موقعیت به ظاهر اپوزیسیونی قرار می‌دهد و هم گناه برآورده نشدن مطالبات مردم را به گردن طیف روحانیت-بازار انداخته و نفوذ این طیف را هر چه بیشتر به نفع پایه مادی خود یعنی طیف سپاه پاسداران تضعیف می‌کند. در حقیقت احمدی نژاد اقدامات خود را به هزینه جریان روحانیت-بازار و به نفع جریان در سایه یعنی سپاه پاسداران انجام می‌دهد.

رد پای این سناریو را در تمامی اقدامات به ظاهر اپوزیسیونی احمدی نژاد می‌توان دید. اظهارات او درباره ورود زنان به ورزشگاهها که با مخالفت روحانیت سنتی مواجه شد عملاً به لحاظ مشروعیت به ضرر روحانیت تمام شده و حتی در آن مقطع چهره‌ای به ظاهر مترقی از احمدی نژاد ارائه داد. و ماجرای رحیم‌مشایی نیز ضمن آنکه تصویری از استقلال ظاهری او از رهبری به دست داد، به او این امکان را داد که با بخش‌های دیگری از طیف سنتی جناح اصولگرا تصفیه حساب کند. (برکناری تحقیرآمیز محسنی‌اژه‌ای و صفار هرندی)

مسئله معرفی سه زن در کابینه نیز به نظر می‌رسد کاملاً همین مسیر را طی می‌کند. معرفی این سه زن تاکنون با واکنش بخشی از مرجعیت محافظه کار مانند مکارم شیرازی و چندی از نمایندگان اصولگرای منتقد دولت در مجلس روبرو شده است. و با این حجم از مخالفت‌ها به نظر نمی‌رسد وزیر زنی بتواند از صافی مجلس عبور نماید و در نتیجه پایان این ماجرا برای احمدی نژاد همان پایان پروژه‌های قبلی خواهد بود. یعنی ارائه چهره به ظاهر اپوزیسیونی از احمدی نژاد و منزوی کردن هر چه بیشتر طیف سنتی جناح اصولگرا به نفع جریان اصلی یعنی جریان بروکرات-نظامی.

این سناریویی است که باند سرمایه داران بروکرات - نظامی حاکم بر ایران برای بازسازی چهره کریه احمدی نژاد در پیش گرفته اند. سناریویی که می‌کوشد با قرار دادن احمدی نژاد در موقعیت‌های به ظاهر اپوزیسیونی مشروعیتی را برای او دست و پا کند. اما تا جایی که به اردوگاه مقاومت یعنی اردوگاه مردم مربوط می‌شود این سناریو به شکست کشیده شده است. زیرا توده مردم اعتنایی به فعل و انفعالات درونی اردوگاه کودتا ندارند و در حالی که اردوگاه کودتا پروژه همزمان سرکوب و عوامفریبی را در پیش گرفته است مردم خود را برای خیزش‌های آینده آماده می‌کنند. راهپیمایی روز قدس و بازگشایی دانشگاه، این سنگر تسخیر ناشدنی آزادی موقعیت‌های اعتراضی پیشرو مردم است. موقعیت‌هایی که از هم اکنون رعشه مرگ را بر اندام عوام فریبان و سرکوبگران حاکم انداخته است.

انتشار از «ندای سرخ»
چهارم شهریور 1388

بحثی درباره‌ی مبانی دموکراسی مشارکتی آناتومی دموکراسی مشارکتی (قسمت ششم)

اسماعیل سپهر

این متن را گروهی
مطالعه کرده و نکات مهم
آن را به بحث بگذارید

تعمیم دموکراسی از حوزه سیاست به حوزه اقتصاد

- نهادهای خود مدیریتی محل کار و مجالس های پیش رو

تا آنجا که به دموکراسی مشارکتی مربوط است اعطاء بیشترین اختیارات ممکن به کارگران و حقوق بگیران موسسات و واحدهای اقتصادی و اعمال وسیعترین اشکال خود مدیریتی در محل کار، خط راهنما و آماج مقدم در تعمیم دموکراسی از حوزه سیاسی به حوزه اقتصادی و اقدام به ایجاد دموکراسی اقتصادی است. معیار پیشروی و درجه استقرار و نهادینه گی دموکراسی اقتصادی در گام اول در حدود مشارکت موثر فرد در هدایت و مدیریت محل کار و در صحنه فعالیت اقتصادی روزانه تجسم می یابد. با قدرت ورزی و کسب تجربه در محل کار و در عرصه محدود یک واحد اقتصادی است که غالب کارگران و زحمتکشان از توانایی، اعتماد به نفس و تجربه کافی برای هدایت و مدیریت عرصه های اقتصاد کلان برخوردار می گردند. در نبود فرصت کافی برای قدرت ورزی و تجربه اندوزی در جریان کار و تلاش روزانه، حس خود باوری و اعتماد به نفس در بسیاری از افراد به بلوغ و پختگی لازم فرا نخواهد روئید و بسیاری از شرایط لازم برای مهار قدرت ورزی بی حد و حصر حلقه تنگ نخبان و فرهیختگان و ایفای نقش موثر در مدیریت و ساماندهی اقتصاد کلان برخوردار نخواهند شد.

با این همه و برغم جایگاه بی بدیل و اهمیت تعیین کننده نهادهای خود مدیریتی محل کار در ایجاد، قوام و معنا بخشی به دموکراسی اقتصادی، حوزه اختیار و قلمرو اقتدار این نهادها را نمی توان نا محدود و نا مشروط تصور کرد. بعلاوه کاملاً قابل درک است که مشارکت مستقیم افراد در هدایت و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی، در همه حوزه ها، در همه سطوح و در همه این موسسات و واحدهای اقتصادی به یک شکل و به یک کیفیت به پیش نخواهد رفت. حتی در آنجا که شرایط لازم برای ایجاد نهادهای خود مدیریتی با دامنه اختیارات گسترده محیا باشد، مولفه ها و عوامل مختلفی حدود قدرت و دامنه استقلال عمل نهادهای خود مدیریتی را محدود و مشروط خواهد کرد.

در دموکراسی اقتصادی نیز همچون دموکراسی سیاسی پاسخگویی به الزامات برنامه ریزی های کلان، واگذاری بخش مهمی از تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های عمده و اساسی حوزه اقتصاد به نهادهای نمایندگی عمومی مردم (شوراهای و نهادهای قدرتی مبتنی بر محل زیست) و نهادهای نمایندگی عمومی نیروی کار و زحمت در حوزه های جغرافیایی مختلف (مثلاً شوراهای کارگری شهر و استان) را اجتناب ناپذیر می سازد. امری که به هر حال حدود قدرت ورزی افراد در محل کار خود و حدود قدرت و اختیار نهادهای خود مدیریتی محل کار را محدود می نماید.

در عین حال باید توجه داشت که پاسخگویی به الزامات برنامه ریزی های کلان اقتصادی و توجه به ویژه گی ها و مشخصات موسسات و واحدهای اقتصادی مختلف، یکارگیری اشکال متنوع و متفاوتی از نهادهای خود مدیریتی محل کار، با ساختار و حوزه اختیارات متفاوت را طلب می کند. به عنوان مثال بزرگی و کوچکی و اهمیت کمتر و بیشتر یک واحد اقتصادی از نقطه نظر منافع عمومی، عامل مهمی در ترسیم ویژه گی ها و حدود قدرت و اختیار نهاد خود مدیریتی مستقر در این یا آن موسسه و واحد اقتصادی خواهد بود.

جدای از این همانطور که قبل از این اشاره شد تعهد به الزامات پایه ای دموکراسی و حراست از منافع عمومی کل جامعه طلب می کند که نهادهای سیاسی - قدرتی عمومی و نهادهای سیاسی - قدرتی خود ویژه کارگران و زحمتکشان (شوراهای و نهادهای قدرتی مبتنی بر محل زیست و محل کار) و نهادهای جامعه مدنی (همچون نهادهای دفاع از منافع مصرف کننده گان و غیره) متناسب با حدود، اندازه و اهمیت هر موسسه و واحد اقتصادی از جایگاه معینی در روند تصمیم گیری های مربوط به مدیریت و هدایت این موسسات و واحدهای اقتصادی برخوردار باشند. امری که به نوعی حوزه اختیارات نهادهای خود مدیریتی کارگران و زحمتکشان در مدیریت و هدایت روزمره واحدهای اقتصادی را محدود و مشروط می سازد.

در دموکراسی مشارکتی، البته نهادهای سیاسی - قدرتی عمومی (شوراهای و نهادهای قدرتی مبتنی بر محل زیست) و نهادهای سیاسی - قدرتی ویژه کارگران و زحمتکشان در سطوح مختلف (شوراهای و نهادهای قدرتی مبتنی بر محل کار) و بویژه عالی ترین نهاد قدرتی عمومی و کارگری در سطح کشور، از نقش تعیین کننده ای در ترسیم حدود قدرت و اختیار نهادهای خود مدیریتی محل کار برخوردارند. اما برغم ثقل قابل توجه کارگران و زحمتکشان در نهادهای قدرتی مبتنی بر محل زیست، بدیهی است که این نهادها در تعیین حدود قدرت و اختیار نهادهای خود مدیریتی محل کار اساساً به نیاز مندی های عمومی و درازمدت جامعه و گرایش عمومی طیف های مختلف مردم توجه خواهند کرد. در این میان حتی نهادهای سیاسی - قدرتی خود ویژه کارگران و زحمتکشان نیز - که به اعتبار ریشه و هویت کارگری خود مهمترین و قابل اتکا ترین اهرم کارگران و زحمتکشان برای دفاع از اقتدار نهادهای خود مدیریتی و خود گردان محل کار بشمار می روند - بطور دائم و سیستماتیک و در هر زمان و در هر سطح و هر حوزه از اعطاء قدرت و اختیار بیشتر به نهادهای خود مدیریتی محل کار حمایت نخواهند کرد.

در این رابطه بویژه آگاهی نسبت به پیچیده گی ها و ظرایف مربوط به رابطه نهادهای خود مدیریتی کارگران و زحمتکشان در سطح یک موسسه و واحد اقتصادی و نهادهای سیاسی - قدرتی طبقه در سطوح جغرافیایی مختلف (همچون شوراهای کارگری در سطح شهر، استان و کشور) از اهمیت بسیار برخوردار است. فارغ از نوع رابطه ساختاری بین نهادهای خود مدیریتی محل کار با نهادهای سیاسی - قدرتی طبقه (مثلاً گزینش نمایندگان شوراهای کارگری شهر توسط نهادهای خود مدیریتی محل کار و یا گزینش مستقیم و غیر مستقیم آنها در انتخابات مستقل و جداگانه توسط کارگران و حقوق بگیران موسسات و واحدهای اقتصادی مختلف) اهداف، وظایف و مشخصات ساختاری این دو سطح از نهادهای نمایندگی طبقه، هم رای پی و همراهی دائمی این نهادها را ناممکن، و بروز برخی چالش ها در تجسم خواست و اراده این نهادها را اجتناب ناپذیر می سازد.

نهادهای خود مدیریتی محل کار اساساً تابع خواست و اراده شاغلین یک موسسه و واحد اقتصادی معین عمل می کنند. دغدغه این نهادها ساماندهی بهینه امور مربوط به یک موسسه و واحد اقتصادی و حتی الامکان تأمین منافع ویژه (کوتاه مدت و دراز مدت) شاغلین موسسه و واحد اقتصادی تحت اداره خود است. نهادهای سیاسی - قدرتی طبقه، اما اساساً تابع خواست و اراده جمعی طبقه عمل کرده و منافع عمومی و درازمدت کارگران و زحمتکشان را راهنمای سیاست گذاری های خود قرار می دهند. حرکت از موضع منافع عمومی و دراز مدت طبقه سبب خواهد شد که نهادهای سیاسی - قدرتی طبقه در ترسیم حدود قدرت و اختیار نهادهای خود مدیریتی محل کار به پارامترها و متغیرهای مختلفی توجه کرده و احتمالاً با ایده اعطاء قدرت و اختیار برابر و هم زمان به همه نهادهای خود مدیریتی محل کار همراه نگردند. امری که بی تردید توافق و رضایت همه نهادهای خود مدیریتی محل کار را بهمراه خواهد داشت.

این همه سبب می شود که در عمل، چه از جنبه شکل و ساختار و چه از جهت حدود اختیارات و وظایف، ما با شکل یگانه و واحدی از نهادهای خود مدیریتی محل کار مواجه نبوده و شاهد ظهور اشکال متنوع و رنگارنگی از این نهادها باشیم. در حقیقت ترسیم شکل یگانه ای از نهادهای خود مدیریتی و اعطاء اختیار مدیریتی و هدایتی واحد و برابر به شاغلین همه موسسات و واحدهای اقتصادی با مفهوم گسترده از دموکراسی اقتصادی یگانه و با الزامات پایه ای برنامه ریزی و هدایت آگاهانه اقتصاد مغایر است. تلاش برای ایجاد شکل یگانه ای از نهادهای خود مدیریتی و اعطاء اختیار تام و تمام مدیریتی به همه این نهادها در عین حال می تواند زمینه ساز ناکارآمدی اقتصادی و بروز بحران های اقتصادی پر دامنه باشد. امری که خود زمینه ساز بی اعتباری عمومی گفتمان خود مدیریتی و از دست رفتن مشروعیت و کارایی دموکراسی اقتصادی و دموکراسی مشارکتی خواهد شد.

اشکال و سطوح مختلف خود مدیریتی

بدیهی است که بدست دادن نسخه حی و حاضری از اشکال و مدل‌های مختلف نهادهای خود مدیریتی نیروی کار و زحمت، که تأمین کننده خواست‌ها و نیازهای کارگران و زحمتکشانشان در عرصه ساماندهی اقتصاد خرد و در صحنه کار و فعالیت اقتصادی باشد، امری عبث و خیال پردازانه خواهد بود. با فراهم آمدن شرایط لازم برای ظهور و شکوفایی نهادهای خود گردانی و خود مدیریتی در موسسات و واحدهای اقتصادی، متناسب با شرایط هر جامعه کارگران و زحمتکشانشان خود به ایجاد اشکال و مدل‌های مناسبی از این نهادها اقدام خواهند کرد. در نتیجه تلاش من در اینجا صرفاً معطوف است به بدست دادن تصویری کلی از نهادهای خود مدیریتی محل کار و طرح برخی از مهمترین موضوعات مربوط به ادامه کاری این نهادها. همانطور که در بالا اشاره رفت عوامل و مولفه های درونی و بیرونی پر شمارگی در ایجاد تنوع ساختاری و قدرتی نهادهای خود مدیریتی محل کار ایفاء نقش می کنند. در سطح درونی بسته به وسعت و بزرگی و کوچکی هر موسسه و واحد اقتصادی، نوع تولید و سطح آموزش افراد شاغل در آن و عوامل و مولفه های دیگری از این دست، می توان شاهد ظهور اشکال متفاوتی از خود مدیریتی و خود سامانی کارگری بود. در سطح بیرونی نیز متأثر از عواملی همچون درجه عمومی رشد اقتصادی در هر جامعه و در هر عرصه از اقتصاد، نوع تعادل قدرت سیاسی در نهادهای سیاسی - قدرتی (اعم از نهادهای قدرتی مبتنی بر محل زیست و یا نهادهای قدرتی مبتنی بر محل کار)، نوع الگوی مصرفی رایج در هر جامعه و غیره، شرایط برای شکوفایی و ظهور اشکال متفاوتی از نهادهای خود مدیریتی محیا خواهد شد.

در حوزه های اقتصادی و در همه واحدهای اقتصادی شاید اتحادیه و سندیکا شکل مناسبی برای تأمین حدی از مشارکت شغالین واحدهای اقتصادی در ساماندهی و مدیریت این واحدها باشد. در این سطح، اما ما با خود مدیریتی کارگری مواجه نیستیم. برای تأمین سطح عالیتز و گسترده تری از مشارکت نیروی کار و زحمت در مدیریت و ساماندهی موسسات و واحدهای اقتصادی و برای اعمال خود مدیریتی گسترده و موثر کارگران و حقوق بگیران به تشکل هایی از نوع شوروا نیاز است.

اتحادیه و سندیکا می تواند طرف مناسبی برای تحقق سطح محدودی از مشارکت کارگری در ساماندهی و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی باشد. اتحادیه و سندیکا را، اما اساساً باید ابزار کارگران برای پیگیری خواستهای صنفی، همچون افزایش دستمزد و یا کاهش ساعات کار و غیره بشمار آورد. در عوض تشکل های نوع شورایی ارگان کارگران برای ساماندهی و مدیریت محیط کار است. شوراهای و تشکل های نوع شورایی از ظرفیت مناسبی برای گسترش حوزه مشارکت نیروی کار تا سطح اعمال خود مدیریتی جامع و همه جانبه در محل کار برخوردارند.

سازمان درونی نهادهای خود مدیریتی محل کار

اگر نهادهای خود مدیریتی محل کار را (در کنار نهادهای خود مدیریتی محل زیست) پایه ای ترین و مستحکم ترین سنگر دفاع از دموکراسی مشارکتی بدانیم، بدیهی است که اجتناب از نخبه سالاری و معمول داشتن گسترده ترین مکانیزم های دموکراتیک جهت ایجاد بهترین شرایط برای مداخلت مستقیم و بی واسطه آحاد نیروی کار و زحمت در هدایت و مدیریت درونی نهادهای خود مدیریتی محل کار، شرط تعهد و دفاع از هستی نظام مشارکتی است. از این دیدگاه بهره گیری گسترده از دموکراسی مستقیم در سازمان درونی نهادهای خود مدیریتی و کاربست اشکالی از سیستم نمایندگی هر می را باید جزء مهم و اساسی ساختار تشکیلاتی نهادهای خود مدیریتی محل کار تلقی کرد. در این رابطه بویژه کاربست گسترده و دائمی دموکراسی مستقیم از اهمیت تعیین کننده ای برای اجتناب از بوروکراتیزه شدن و سیادت نخبه سالاری در حیات درونی نهادهای خود مدیریتی محل کار برخوردار است. تعداد محدود افراد در هر موسسه و واحد اقتصادی (غالباً چند صد یا چند هزار نفر و ندرتاً بیشتر از چند هزار نفر) و محیط محدود آن بهترین و سهل ترین شرایط را برای بکارگیری گسترده و دائمی مکانیزم دموکراسی مستقیم - بمتابه ابزار اصلی برای تصمیم گیری و تصمیم سازی در چهارچوب یک موسسه و واحد اقتصادی - فراهم می آورد. بعلاوه معمول داشتن مکانیزم های دموکراتیک دیگری همچون محدود کردن دوره نمایندگی افراد در مسولیت های رهبری و فراخوانی سهل الوصول نمایندگان نقش تعیین کننده ای در اجتناب از نخبه سالاری و بوروکراتیزم در حیات درونی این نهادها ایفا خواهد کرد.

نکته مهم دیگر در رابطه با ساختار سازمانی نهادهای خود مدیریتی محل کار تضمین استقلال عمل و دفاع از حریم کارکردی آنها بمتابه نهادهای خود سامان کارگران و حقوق بگیران برای سامان دهی و مدیریت محل کار خویش است. از این موضع نهادهای خود مدیریتی را باید اساساً در چهارچوب نهادهای اقتصادی - مدیریتی و نه نهادهای سیاسی - قدرتی طبقه بندی کرد. در رابطه با نوع و چگونگی رابطه نهادهای خود مدیریتی محل کار (مثلاً شورای یک کارخانه) و نهادهای سیاسی - قدرتی طبقه (نهادهای شورایی یک منطقه شهری، شهر، استان و کشور که به اعتبار نقش و جایگاه خود بی تردید در شمار نهادهای سیاسی - قدرتی قرار خواهند داشت) البته وجود رابطه ای دائمی، پویا و بنیادی بین این نهادها را باید جزئی اساسی از ماندگاری و موفقیت دموکراسی اقتصادی تلقی کرد.

با اینهمه حفظ استقلال عمل و پویایی نهادهای خود مدیریتی محل کار و اجتناب از به حاشیه راندن این نهادها توسط نهادهای سیاسی - قدرتی (و از جمله نهادهای سیاسی - قدرتی خود ویژه کارگران و حقوق بگیران، چنانکه در تجربه شوراهای روسیه شاهد بودیم) وجود مرز روشنی بین وظایف و اختیارات این دو سطح از نهادهای خود ویژه طبقه کارگر و حقوق بگیران را (نهاد های خود مدیریتی یا شورای کارگران برای سامان دادن به عرصه اقتصاد خرد و نهادهای قدرتی یا شوراهای سراسری برای سامان بخشی به اقتصاد کلان) به امری عاجل و ضروری مبدل می سازد. در این راستا راه حل بنیادی ممکن است در جداسازی نسبی تشکیلاتی و سازمانی نهادهای خود مدیریتی محل کار (مثلاً شورای کارخانه) و نهادهای سیاسی - قدرتی سراسری کارگران و حقوق بگیران باشد. می توان نمایندگان منتخب برای شکل دادن به سازمان کارگری مسئول تصمیم سازیها و سیاست گذاری های کلان اقتصادی را در نشست مجمع عمومی نهاد خود مدیریتی محل کار گزین کرد. این نمایندگان می توانند مستقیماً در برابر مجمع عمومی شورای کارگری مسئول و پاسخگو باشند. حتی می توان در چهارچوب نهاد خود مدیریتی محل کار به تشکیل گروه های کاری مختلفی که نظارت و کنترل بر کار و فعالیت این نمایندگان را بعهده دارند مبادرت ورزید. مهم، اما جدا کردن حوزه کار و مسولیت گروه های کاری و هسته رهبری کننده نهاد خود مدیریتی محل کار از حوزه کار و مسولیت نهاد های منتخب کارگران برای سامان دهی عرصه اقتصاد کلان است. مهم آنست که توجه و دل مشغولی نهادهای خود مدیریتی محل کار و گروه های کاری و ارگان های تابعه آنها نه ساماندهی عرصه اقتصاد کلان (و یا عرصه های دیگری از سیاست گذاری های کلان) که سامان دهی و مدیریت عرصه محدود یک موسسه و یک کارخانه باشد.

تجربه شوراهای روسیه نشان داد که بهم ریختن مرز اهداف و مطالبات اقتصادی - مدیریتی کارگران در چهارچوب یک واحد اقتصادی و اهداف و مطالبات آنها در چهارچوب سیاست گذاری های کلان اقتصادی (و یا سیاسی) ممکن است که به تضعیف و حاشیه راندن نهادهای شورایی در سطح پایه راه بندد. کارگران روسی شاید بیش از حد به حسن نیت نهاد های نمایندگی عالی خود و به راهگشایی سیاست گذاری های کلان اعتماد داشتند. اعتماد به خود و ارزشمند داشتن خود سامانی و خود گردانی عرصه محدود یک موسسه و کارخانه، اما شاید منشأ راهگشایی های حیاتی و کار سازی می شد و از سیادت بوروکراتیزم و نخبه سالاری در حیات درونی نظام شورایی و مسخ و تغییر ماهیت آن جلوگیری بعمل می آورد.

عوامل مهم در شکل دادن به تنوع و گونه گونی نهادهای خود مدیریتی محل کار

با توجه به نوع و وسعت هر واحد اقتصادی و متناسب با سیاست گذارهای کلان اقتصادی در هر عرصه اقتصادی می توان اشکال متنوع و چند گانه ای از تشکل های صنفی - مدیریتی را به خدمت گرفت. در کارخانه جات و واحدهای تولیدی - خدماتی بزرگ در کنار اتحادیه و سندیکا و در راستای اعمال خود مدیریتی وسیع و همه جانبه کارگران و کارکنان این واحدها می توان اشکالی از تشکل های نوع شورایی با دامنه اختیارات وسیع و گسترده را به خدمت گرفت. در کارخانه جات و شرکت های بزرگ اعمال خود مدیریتی جامع و گسترده شغالین در هدایت و ساماندهی این واحدها نه تنها امکان پذیر که از زاویه اقتصادی نیز مطلوب و ایده آل می نماید.

در سطح واحدهای کوچک اقتصادی، جایی که الغاء مالکیت خصوصی احتمالاً ناکارآمدی اقتصادی و افزایش بیکاری را بدنبال خواهد داشت،

طبیعتاً نقش صاحبان سرمایه‌های خرد در مدیریت این واحدها را نمی‌توان نادیده گرفت. لذا مشارکت مستقیم کارگران در ساماندهی و مدیریت این واحدهای اقتصادی می‌تواند در اشکالی از کنترل کارگری شکل عملی بخود بگیرد. در این واحدهای اقتصادی می‌توان در کنار اتحادیه و سندیکا به ایجاد تشکل‌های نوع شورایی با دامنه اختیارات محدود اقدام کرد. عرصه واحدهای کوچک اقتصادی در عین حال پهنه ظهور اشکال متنوعی از مالکیت‌های نوع تعاونی است. در این پهنه بی‌تردید شرایط مناسبی برای شکل‌گیری و بسط نهادهای خود مدیریتی با دامنه اختیارات گسترده فراهم خواهد آمد.

بدیهی است که ایجاد تشکل‌های شورایی با دامنه اختیارات وسیع و گسترده در گام اول به اعمال مالکیت عمومی در موسسات و واحدهای اقتصادی مشروط است. امری که در چهارچوب دموکراسی مشارکتی به تعادل قوای سیاسی در نهادهای - سیاسی قدرتی محل زیست و محل کار و عوامل مهم دیگری همچون سطح رشد اقتصادی و الگوی عمومی مصرف هر جامعه بستگی دارد. با اینهمه نباید تصور کرد که اعمال خود مدیریتی کارگری و ظهور نهادهای خود مدیریتی در فقدان مالکیت عمومی و با وجود اشکالی از مالکیت خصوصی به تمامی غیر ممکن است. اگر خود مدیریتی کارگری را یک مفهوم نسبی بدانیم و شکل یگانه و غیر منطقی از خود مدیریتی را تنها شکل قابل دفاع تلقی نکنیم، حضور موثر و کارساز کارگران و حقوق بگیران در مدیریت و هدایت یک موسسه و واحد اقتصادی، حتی به شرط حفظ اشکالی از مالکیت خصوصی نیز، غیر ممکن نیست. می‌توان پرداخت سهم معینی از درآمد یک موسسه و واحد اقتصادی را به مالک خصوصی آن تضمین کرد و در عین حال مسئولیت مدیریت و هدایت این موسسه و واحد اقتصادی را به نهاد منتخب کارگران و حقوق بگیران شاغل در آن واگذار کرد. حتی می‌توان شرایطی را متصور شد که نهاد خود مدیریتی کارگران و حقوق بگیران در کنار مالکان خصوصی و یا نمایندگان آنها مشترکاً امر هدایت و مدیریت یک موسسه و واحد اقتصادی را بعهده بگیرند.

ایجاد مالکیت عمومی و شرایط ایده آل برای شکوفایی و کارایی نهادهای خود مدیریتی را نباید پیش شرط شکل‌گیری و نقش آفرینی هر نهاد خود مدیریتی تلقی کرد. همانطور که قبل از این گفتیم در دموکراسی اقتصادی نیز پاسخگویی به الزامات برنامه ریزی‌های کلان، واگذاری بخش مهمی از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های عمده و اساسی حوزه اقتصاد (از جمله سیاست‌گذاری پیرامون اشکال و حدود مالکیت) به نهادهای نمایندگی عمومی مردم و نهادهای نمایندگی عمومی نیروی کار و زحمت را اجتناب ناپذیر می‌سازد. امری که در هر حال می‌تواند حفظ سطحی از مالکیت خصوصی در این یا آن حوزه از اقتصاد و ظهور و شکل‌گیری اشکال منطقی از نهادهای خود مدیریتی در موسسات و واحدهای اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی را به یک احتمال واقعی تبدیل کند.

قبول سهمی ویژه در هدایت و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی برای مالک یا مالکان خصوصی آنها بی‌تردید محدودیتی بر حق فردی افراد در هدایت و مدیریت محل کار خویش است. چنین محدودیتی، اما اگر با تامین شرایط آزاد و دموکراتیک برای اعمال اراده واقعی مردم و بویژه آحاد کارگران و حقوق بگیران در تمامی عرصه‌های اقتصاد کلان و از جمله تعیین حدود و اشکال مختلف مالکیت همراه باشد - و در هر حال حق نهادهای سیاسی - قدرتی مردم و کارگران و حقوق بگیران برای تجدید نظر در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و تغییر در حدود و اشکال مالکیت تضمین شده باشد - نافی اصول پایه ای تاسیس دموکراسی فریه نخواهد بود.

این درست است که در چهارچوب دموکراسی مشارکتی اجتناب از واگذاری تصمیم‌سازیها و سیاست‌گذاری‌ها به گروه‌های جمعیتی بزرگ (همچون آحاد جمعیتی یک کشور، یک استان و شهر)، برجسته کردن نقش فردی افراد در تصمیم‌سازیها و سیاست‌گذاری‌ها و متناسب کردن مشارکت و حق رای افراد در تصمیم‌سازیها و سیاست‌گذاری‌ها با درجه تاثیر پذیری آنها از این تصمیم‌سازیها و سیاست‌گذاری‌ها خط راهنمای حرکت بسوی دموکراسی بیشتر است. این همه، اما چیزی از اهمیت این حقیقت که در دموکراسی مشارکتی نیز برغم همه پیشرفت‌ها بسوی پررنگ کردن نقش فردی افراد در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های عمده و اساسی در حوزه سیاست و اقتصاد (از جمله تعیین اشکال و حدود مالکیت) هنوز در حیطه تصمیم‌گیری گروه‌های جمعیتی کم و بیش بر شمار قرار خواهد داشت، نمی‌کاهد. در این میان، مهم اما ثقل و نقش موثر نهاد‌های خود مدیریتی کارگران و حقوق بگیران در هدایت و مدیریت هر موسسه و واحد اقتصادی و تن نسپردن به حضور صوری و نمایشی در هدایت و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی با مالکان خصوصی است.

جدای از عامل مالکیت عوامل مهم دیگری نیز در شکل‌دادن به ساختار و حدود قدرت و اختیار نهادهای خود مدیریتی از نقش اساسی و تعیین‌کننده برخوردارند. اگر مالکیت خصوصی، بمتابه یکی از عوامل مهم در تنگ کردن دایره اختیار و اقتدار نهادهای خود مدیریتی در گوهر عاملی در راستای تجدید حدود دموکراسی است، برخی عوامل تجدید کننده حوزه اختیار و اقتدار نهادهای خود مدیریتی را باید عاملی در راستای بسط حریم دموکراسی بشمار آورد.

چنانچه عرصه هدایت و مدیریت یک موسسه و واحد اقتصادی را امری خصوصی و مربوط به صاحبان و یا افراد شاغل در آن موسسه و واحد اقتصادی ندانیم، حضور نمایندگان نهادهای سیاسی - قدرتی دموکراتیک محلی و منطقه ای و در مواردی نهادهای قدرتی کشوری و حتی بین‌المللی در هدایت و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی را (بویژه در موسسات و واحدهای اقتصادی بزرگ و با اهمیت) باید امری طبیعی و الزامی تلقی کرد. حضور نمایندگان سازمانهای دولتی و نهادهای سیاسی - قدرتی دموکراتیک محلی، منطقه ای و کشوری در دستگاه هدایت و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی در واقع می‌تواند اقدامی در راستای استیفای حقوق گروه‌های جمعیتی مختلف و به این اعتبار اقدامی در جهت دموکراتیزه شدن بیشتر مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی تلقی گردد. با این حال، حضور موجه این نهادهای قدرتی در هدایت و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی تحت هیچ شرایطی نمی‌باید اصل وجودی و حریم کارکردی نهادهای خود مدیریتی محل کار - بمتابه اصلی‌ترین نیروی حاضر در دستگاه مدیریتی هر موسسه و واحد اقتصادی - را مورد سوال قرار دهد.

تعهد به اصول پایه ای تاسیس دموکراسی فریه و استیفای حقوق گروه‌های جمعیتی مختلف در عین حال ایجاب می‌کند که در هدایت و مدیریت موسسات و واحدهای اقتصادی و بویژه موسسات و واحدهای اقتصادی بزرگ و با اهمیت، جایگاه ویژه ای به نهادهای جامعه مدنی اختصاص داده شود. در این میان نقش نهادهای مدافع سلامت محیط زیست و نهادهای مدافع منافع مصرف‌کنندگان از برجستگی بسیار بیشتری برخوردار است. برسمیت شناختن نقش نهادهای مدافع سلامت محیط زیست در نظارت و کنترل بر فعالیت کارخانجات و واحدهای اقتصادی و ملحوظ داشتن توصیه‌ها و نقطه نظرات این نهادها در انطباق فعالیت‌های اقتصادی موسسات و واحدهای اقتصادی با الزامات حفظ سلامت محیط زیست از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مهمتر از این، اما برسمیت شناختن نقش و جایگاه ویژه نهادهای مدافع منافع مصرف‌کنندگان در دستگاه مدیریتی موسسات و واحدهای اقتصادی است. همه مردم به عنوان مصرف‌کننده تولیدات و خدمات موسسات و واحدهای اقتصادی از حق برابری برای کنترل و نظارت بر فعالیت این موسسات و واحدهای اقتصادی برخوردارند. نهادهای حمایت از منافع مصرف‌کنندگان می‌توانند به نحو موثری بر سیستم قیمت‌گذاری و تضمین کیفیت تولیدات و خدمات موسسات و واحدهای اقتصادی نظارت کرده و در این عرصه به عنوان یک عامل تصمیم‌گیرنده عمل نمایند. نهادهای مدافع منافع مصرف‌کنندگان در عین حال می‌توانند نقش بسیار ارزنده و کارساز در تخصیص بهینه منابع و برنامه ریزی‌های مربوط به تولید و فعالیت اقتصادی موسسات و واحدهای اقتصادی بعهده بگیرند. در این عرصه نهادهای مدافع منافع مصرف‌کنندگان قادرند با انعکاس خواست و تقاضای موثر عمومی برای محصولات تولیدی و خدماتی مختلف، در نقش مشاور موسسات و واحدهای اقتصادی ظاهر شده و از بروز بحران اضافه تولید و هدر رفتن بی‌حساب منابع مادی و انسانی جلوگیری بعمل آورند.